

ارزیابی همگرایی منطقه‌ای ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس^۱

حسن ثاقب، میرعبداله حسینی ^{ID} *، فرزاد مرادپور

گروه پژوهش‌های بازرگانی خارجی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ایران.

چکیده	مشخصات مقاله
اعضای شورای همکاری خلیج فارس در ابعاد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تجارت در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا (منا) جایگاه پویا و رو به رشدی دارند و همگرایی اقتصادی ایران و شورا، منافع اقتصادی، تجاری و غیراقتصادی متقابل برای اعضای شورا و ایران به همراه خواهد داشت. در این مقاله، در پی یافتن پاسخی به این پرسش‌ها بوده‌ایم: عملکرد گذشته و دورنمای یکپارچگی منطقه‌ای (درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) شورا چگونه بوده و وضعیت ایران در مقایسه با عملکرد اعضای شورا چگونه است؟ طی نزدیک به نیم قرن فعالیت شورا، تجارت اعضای این گروه در چارچوب ادبیات همگرایی ناشی از اثر ایجاد تجارت است یا اثر انحراف تجارت؟ هدف اصلی مقاله ارزیابی کارآمدی و موفقیت همگرایی اقتصادی شورا، به‌ویژه چشم‌انداز یکپارچگی منطقه‌ای ایران و شورا است. دو سنجه مهم همگرایی اقتصادی و تجاری، یعنی «همگنی و تجانس شاخص‌های اقتصادی» و «درجه همگرایی تجارت»، برای اعضای شورا و ایران طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ م سنجش و ارزیابی شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد طی این دوره، شکاف و دامنه پراکنش درآمد سرانه برای بسیاری از اعضای شورا همگراتر شده و همگنی و تجانس شاخص‌های توسعه برای اعضای شورا در بلندمدت رخ داده است. همچنین، نتایج مطالعه نشان می‌دهد که طی این دوره، افزایش سهم تجارت درون منطقه‌ای شورا و ایران همسو با توسعه تجارت بین‌الملل آن‌ها نبوده است. توسعه و تعمیق تجارت درون منطقه‌ای نه تنها به توسعه تجارت بین‌الملل ایران منجر نشده است، بلکه به انحراف تجارت نیز انجامیده است. تحلیل نتایج حاکی است که عدم توسعه تجارت درون منطقه‌ای ناشی از ساختار تجاری ضعیف ایران است و هم‌اکنون امکان توسعه تجارت درون منطقه‌ای و همگرایی ایران با شورا ضعیف به نظر می‌رسد. البته، با توسعه و ارتقای ساختار اقتصادی و تجاری ایران، امکان بهره‌گیری از منافع همگرایی فراهم می‌شود.	مقاله پژوهشی موضوع: اقتصاد حوزه موضوعی: ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲
	واژگان کلیدی: شورای همکاری خلیج فارس، شدت تجارت، منطقه‌گرایی، همگرایی منطقه‌ای، همگونی اقتصادی.

ارجاع به این مقاله: ثاقب ح، حسینی م، مرادپور ف. (۱۴۰۴). «ارزیابی همگرایی منطقه‌ای ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس». *مطالعات کشورها*. ۳(۱): ۳۸-۱. doi: <https://doi.org/10.22059/JCOUNTST.2024.371179.1101>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

۱. این مقاله برگرفته از گزارش پژوهشی با عنوان «ارزیابی همگونی اقتصادی و همگرایی تجاری ایران و شورای همکاری خلیج فارس در فرایند یکپارچگی منطقه‌ای» است. این گزارش در گروه پژوهش‌های بازرگانی خارجی پژوهشکده توسعه بازرگانی معاونت پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در مرداد ۱۴۰۲ انجام پذیرفته است.

* نویسنده مسئول: m.hosseini@itsr.ir ^{ID} <https://orcid.org/0009-0004-5521-9226>

۱. مقدمه و طرح مسئله

توسعه همکاری اقتصادی میان کشورها، از علل تشکیل بلوک‌های منطقه‌ای است. به این موضوع در بیانیه‌ها و موافقتنامه‌های شورا نیز تأکید شده است. این گونه موافقتنامه‌ها، به شرط شمولیت جامع کالاهای مبادله‌ای و جدیت طرفین در اجرا (الزام‌ها و ضمانت اجرایی)، ممکن است توسعه تجارت میان اعضا و سرعت بخشیدن به روند ادغام کشورهای واقع در منطقه را در نظام تجارت بین‌الملل به دنبال داشته باشد. همچنین، ممکن است به تحقق خواست این کشورها مبنی بر برداشتن سهمی متناسب در تجارت جهانی کمک کند. البته، در مراحل تکامل ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای، سطح توسعه سیاسی و اقتصادی کشورها اهمیت ویژه‌ای دارد. کشوری ممکن است از لحاظ موجودی منابع و عوامل تولید و توانمندی‌های اقتصادی، آمادگی این ادغام منطقه‌ای را داشته باشد، اما از نظر سیاسی این آمادگی هنوز فراهم نشده باشد. بنابراین، در صورت حضور در ترتیبات منطقه‌ای، عدم توسعه سیاسی یا عدم هماهنگی سیاسی با دیگر اعضای منطقه ممکن است مانع کارکرد نیروهای مولد اقتصادی شود. به این دلیل است که این فرایند فرایندی چندوجهی است و باید به طور متوازن در سطوح سیاسی و اقتصادی بدان توجه شود. به‌ویژه، هنگامی که کشورها تلاش دارند رفتارها را با الزام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هماهنگ کنند، این توازن در رابطه با سطوح مختلف توسعه اهمیت بیشتری می‌یابد.

با ایده تجارت آزاد از کانت تا اسمیت و از ویلسون تا فریدمن موافقت وجود داشته و بر ضرورت بروز آن برای ظهور پایدار صلح تأکید شده است. نگاهی به بحران‌های بلندمدت در غرب آسیا، این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که آیا تحقق تجارت آزاد در غرب آسیا امکان‌پذیر است؟ تجارت آزاد مبنایی برای همکاری و مشارکت است و رفاه را برای ساکنان غرب آسیا به‌ارمغان می‌آورد و نوآوری را قلب تپنده توسعه اقتصادی، در شریان‌های اقتصاد این منطقه می‌سازد. در همین راستا، در مقاله حاضر، با طرح پرسش درباره امکان‌پذیری همکاری و تجارت میان بازیگران منطقه غرب آسیا با محوریت ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، سعی شده است چشم‌انداز توسعه در این منطقه از جهان ارزیابی شود. بسیاری معتقدند غرب آسیا در صورت گذار به شکل جدید از همکاری میان محورهای قدرت می‌تواند بخش عظیمی از چالش‌های ساختاری خود را پشت سر بگذارد، اعم از محیط بی‌ثبات اقتصاد کلان، رشدهای ضعیف، تورم‌های

بالا و ساختار تولید تک‌محصولی. تحقق چنین اهدافی منوط به بستری فراگیر برای همکاری بلندمدت بین این بازیگران است.

شورای همکاری خلیج فارس^۱ بلوک اقتصادی و سیاسی شامل شش کشور عرب پیرامون خلیج فارس است (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، عمان، کویت و بحرین) که در ۲۵ می ۱۹۸۱م با هدف یکپارچگی اقتصادی تشکیل شد. از نظر سطح و عمق منطقه‌گرایی، این تشکل اتحادیه‌ای گمرکی است و هنوز با اهداف اتحادیه کامل اقتصادی و واحد پولی مشترک برای تمامی کشورهای عضو شورا، فاصله دارد. البته، در چهار دهه گذشته، گام‌های توسعه فراگیر اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری برداشته شده است، به طوری که مرکز ثقل رفاه، تجارت و جریان سرمایه‌گذاری منطقه محسوب می‌شود. بر این اساس، هدف از مطالعه حاضر، پاسخ به این پرسش‌هاست که تجارت درون منطقه‌ای کشورهای عضو شورا (و ایران) چه وضعیتی دارد و طی دو دهه گذشته چه مسیری را طی کرده است؟ آیا از جنبه درجه همگرایی اقتصادی در مقایسه با دیگر ترتیبات منطقه‌ای (توسعه یافته و در حال توسعه) موفق ارزیابی می‌شود؟ با گذشت بیش از چهار دهه از شکل‌گیری شورا، آیا تغییر و تحولات تجاری در این شورا ناشی از اثر ایجاد تجارت بوده است یا انحراف تجارت؟ امکان شکل‌گیری یکپارچگی منطقه‌ای ایران و کشورهای عضو شورا از جنبه‌های اقتصادی و تجاری چقدر میسر است؟ در این خصوص دو معیار اصلی «همگونی و نزدیکی شاخص‌ها» و «درجه همگرایی تجاری و شدت تجارت» برای ایران و کشورهای عضو شورا از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱م سنجش و ارزیابی شد.^۲ این مقاله در چارچوب مقدمه و طرح مسئله، مبانی نظری و روش پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها، و نتایج و خلاصه نتایج، توصیه‌های سیاستی و پیشنهادها تنظیم شده است.

۲. مبانی نظری و روش پژوهش

نظریه‌ها و بحث‌های موافق و مخالف فراوانی درباره نقش ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای ابراز شده است. جاکوب واینر، اقتصاددان کانادایی، نگرانی خود را درباره

1. PGCC: Persian Gulf Cooperation Council

۲. منابع آماری از نهادهای وابسته به ملل متحد از جمله آنکتاد و صندوق بین‌المللی پول است. اطلاعات آماری به روز خاص ایران در چند سال اخیر به ویژه در وضعیت تشدید تحریم‌ها، مخدوش و ماهیت غیررسمی و پیش‌بینی شده دارد. بنابراین، به دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱م بسنده شد که برای اهداف تحقیق کافی به نظر می‌رسد.

این ترتیب تجاری بیان داشت. به گفته وی، وقتی دو کشور براساس توافق، تعرفه‌های کالاهای یکدیگر را حذف می‌کنند اما همین تعرفه‌ها را برای کالاهایی که از کشورهای ثالث وارد می‌شود حفظ می‌کنند، سوددهی مبادله برای تاجران دو کشور را دنبال خواهند کرد؛ زیرا هر دو کشور محصولاتی را از همسایگان مورد توافق (عضو) وارد می‌کنند که این همسایگان قادر به تولید ارزان‌تر آن هستند. اما باید توجه داشت که در این حالت، تجارت منحرف می‌شود؛ زیرا اکنون دو کشور، کالاهایی از یکدیگر می‌خرند که سابق بر این، از سایر کشورهای وارد می‌کردند که در تولید آن کارا تر بودند. پیام صریح و اینر این است که ترتیب تجاری ترجیحی، با تبعیض در آزادسازی تجاری، به تجارت اعضای خود و رفاه جهانی آسیب وارد می‌کند (Viner, 1950).

برخی اقتصاددانان معاصر به نظریه واینر انتقاد کرده‌اند. در مقابل این نظریه، نظریه «شرکای تجاری طبیعی»^۱ مطرح می‌شود. بر این اساس، اگرچه تجارت بر مبنای مزیت نسبی استوار است، تحت تأثیر مسائلی از قبیل وضعیت جغرافیایی قرار دارد و حذف فاصله، هزینه‌های حمل و نقل را کاهش می‌دهد. همسایگان در چنین مناطقی در گستره وسیعی با یکدیگر به دادوستد می‌پردازند. در این شرایط، انحراف تجاری لندن خواهد بود (حسینی و هومن، ۱۳۸۶؛ Krugman, 1996). این نظریه به‌طور تجربی در بسیاری از مناطق جغرافیایی جهان، به‌ویژه در مناطق توسعه‌یافته نظیر اروپا و آمریکای شمالی، تأیید شده است. درباره نظریه‌های اخیر اقتصاددانان، از جمله جاگدیش باگواتی اقتصاددان هندی تبار آمریکایی، بحث کرده‌اند. باگواتی یادآور می‌شود که اقتصاددانان پیش‌گفته، آثار ترتیبات تجاری منطقه‌ای را به‌طور ایستا در نظر می‌گیرند و آثار پویای این ترتیبات را لحاظ نمی‌کنند. این ترتیبات با در نظر گرفتن عامل زمان در تسریع یا کاهش موانع در تجارت جهانی سنجیده می‌شود. باگواتی دو مفهوم بلوک‌های بازدارنده و بلوک‌های سازنده را مطرح می‌کند که به دو مفهوم انحراف تجارت و ایجاد تجارت^۲ واینر نزدیک است (Bhagwati, 1996).

مسئله انحراف تجارت یا بازدارنده بودن ترتیبات در رشد تجارت ملت‌ها را به‌سادگی نمی‌توان اندازه‌گیری کرد. بدین لحاظ، به اهداف و اصول تشکیل بلوک‌ها باید توجه بیشتری معطوف شود. در متون تجارت، ترتیبات تجاری منطقه‌ای نوعی

1. Natural Trading Partners (NTP)
2. Trade Diversion (TD) and Trade Creation (TC)

سیاست تجاری در راستای کاهش یا حذف موانع و محدودیت‌های تجاری میان اعضا قلمداد می‌شود. انحراف تجارت یکی از آثار منفی ترتیبات تجاری ترجیحی در سطح منطقه‌ای شناخته می‌شود و در حالی رخ می‌دهد که تولیدات نامرغوب و پرهزینه اعضا در نتیجه برخورداری از ترجیح‌های تجاری، جایگزین تولیدات مرغوب‌تر و کم‌هزینه‌تر غیرعضو شود (World Bank, 2000: 40). حذف یا کاهش عوارض وارداتی تولیدات منطقه‌ای در رقابت مستقیم با تولیدات غیرمنطقه‌ای، کاهش قیمت تمام‌شده این نوع محصولات را در بازار منطقه‌ای به دنبال دارد و زمینه جایگزینی واردات کم‌هزینه‌تر از غیراعضا را فراهم می‌کند.

انحراف تجارت، هزینه‌ها و آثار سوء زیادی برجای می‌گذارد. از مهم‌ترین آثار منفی انحراف تجارت ایجاد اختلال در شرایط طبیعی رقابت، تقسیم منابع و بهره‌گیری از مزیت نسبی در سطح بین‌الملل است. تغییر الگوی مبتنی بر مزیت نسبی در تجارت ناشی از انحراف تجارت، در نهایت کاهش رفاه مصرف‌کنندگان را در پی خواهد داشت (همان: ۴۲). مصرف‌کنندگان داخلی ناگزیر می‌شوند، به دلیل وجود آثار انحراف تجارت، کالاهای نامرغوب‌تر تولیدکنندگان منطقه‌ای را با هزینه‌های گزاف‌تر خریداری کنند.

از دیگر هزینه‌های مهم انحراف تجارت، می‌توان به ازدست‌رفتن درآمد گمرکی دولت‌ها اشاره کرد. این مسئله به‌طور خاص در ارتباط با کشورهای در حال توسعه موضوعیت بیشتری می‌یابد. این کشورها اتکای بیشتری به درآمد گمرکی دارند و یکی از منابع تأمین بودجه محسوب می‌شود. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا همه ترتیبات تجاری به انحراف تجارت منجر می‌شود؟ در چه شرایطی ترتیب تجاری اثر انحراف تجارت خواهد داشت؟ و چگونه می‌توان از وقوع انحراف تجارت در ترتیب تجاری جلوگیری کرد؟

باید تصریح کرد که انحراف تجارت موقعی به وقوع می‌پیوندد که در عین حذف یا کاهش موانع در قلب منطقه‌گرایی، موانع برای غیراعضا حفظ شود. معمولاً هزینه انحراف تجارت معادل میزان عوارضی است که بر واردات کالاهای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای اعمال می‌شود. بر این اساس، کاهش موانع برای صادرکنندگان غیرعضو، هم‌زمان با مبادله ترجیحات تجاری بین اعضای ترتیب منطقه‌ای، هزینه انحراف تجارت را کاهش می‌دهد یا از بین می‌برد.

از دیگر شرایط لازم برای وقوع انحراف تجارت، این مسئله است که دیگر اعضای ترتیب تجاری نیز موانع تجاری مشابهی برای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای

اعمال کنند. این موضوع بیشتر در تجارت آزاد مطرح می‌شود که اعضا، برخلاف اتحادیه گمرکی، به اتخاذ سیاست تجاری مشترک در رابطه با غیراعضا اقدام نمی‌کنند. بر این اساس، در صورتی که یکی از اعضای تجارت آزاد موافقی را بر سر صادرات غیراعضا اعمال نکند یا تعرفه پایین وضع کند، هزینه انحراف تجارت در چنین حالتی در منطقه کاهش می‌یابد یا از بین می‌رود. البته، در صورتی که اعضای تجارت آزاد شرایط و ضوابط سخت‌گیرانه‌ای در رابطه با تعیین مبدأ کالاها اعمال کنند، صادرات مجدد کالاهای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای با دشواری‌هایی مواجه می‌شود. این مسئله مانع جلوگیری از انحراف تجارت می‌شود^۱ (Hoekman & Schiff, 2002: 553).

اگرچه انحراف تجارت از آثار منفی ترتیبات منطقه‌ای است، ایجاد تجارت از منافع و مهم‌ترین آثار مثبت آن است. این اثر افزایش حجم تجارت را میان اعضای ترتیبات تجاری موجب می‌شود و زمانی به‌وقوع می‌پیوندد که تولیدات کارآمدتر و کم‌هزینه‌تر دیگر اعضای ترتیب منطقه‌ای در نتیجه آزادسازی تجاری، جایگزین تولیدات غیرکارآمد و هزینه‌بر داخلی شود. از آنجاکه اثر ایجاد تجارت در نتیجه رقابت بین تولیدکنندگان منطقه‌ای در ارتباط با بخش‌ها و محصولات شکل می‌گیرد که قبلاً حمایت شده است و تجارتی با دنیای خارج در آن‌ها وجود نداشته است، فاقد هرگونه اثر سوء برای تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای است. ایجاد تجارت افزایش بهره‌وری و تخصصی‌شدن تولیدات منطقه‌ای را بر پایه مزیت نسبی و بهبود رفاه عمومی اعضای ترتیب منطقه‌ای موجب می‌شود. معمولاً آن دسته از ترتیبات که عمدتاً به ایجاد تجارت منجر می‌شود، با مخالفت گروه‌های ذی‌نفوذ داخلی روبه‌رو می‌شود. اثر ایجاد تجارت، از آنجاکه در نتیجه رقابت بین تولیدکنندگان

۱. در کنار شرایط الزامی برای وقوع انحراف تجارت، این شرط را باید افزود که محصولات منطقه‌ای از هرجهت، از جمله سلیقه مصرف‌کنندگان، باید قابلیت جایگزینی محصولات صادراتی غیراعضا را داشته باشد. در غیراین صورت، مصرف‌کنندگان با وجود برخورداری تولیدات منطقه‌ای از ترجیح‌های تجاری، همچنان به عرضه‌کنندگان غیرعضو رجوع خواهند کرد. امکان وقوع این شرط در عالم واقع چندان آسان و متداول نیست و مصرف‌کنندگان آماده نیستند تا محصولات تولیدکنندگان مختلف را به‌سهولت جایگزین کنند. این موضوع در عمل وقوع انحراف تجارت را کاهش می‌دهد و هزینه آن را برای ترتیبات به‌حداقل می‌رساند. با این حال، تولیدکنندگان منطقه‌ای با اتکا به مزیت طبیعی، نظیر نزدیکی جغرافیایی و هزینه کمتر حمل‌ونقل در مقایسه با تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای، قابلیت رقابت دارند.

منطقه‌ای شکل می‌گیرد، تولیدکنندگان ناکارآمد داخلی را با بحران مواجه می‌سازد و آن‌ها را ناگزیر به افزایش بهره‌وری یا خروج از گردونه رقابت می‌کند. تعطیلی تولیدات ناکارآمد، کاهش تولیدات داخلی و ازدست‌رفتن فرصت‌های شغلی در نتیجه سیل واردات از تولیدکنندگان کارآمدتر منطقه‌ای از پیامدهای منفی ایجاد تجارت برای اقتصاد اعضاست. این مسئله افزایش فشارهای سیاسی در مخالفت با این‌گونه ترتیبات را موجب می‌شود و مقاومت‌هایی را بر علیه آزادسازی تجاری منطقه‌ای ایجاد می‌کند. بر این اساس، اعضای ترتیبات غالباً برای جلوگیری از اثر ایجاد تجارت و خسارت به تولیدکنندگان ناکارآمد داخلی در جریان آزادسازی تجارت منطقه‌ای، بخش‌ها یا محصولات خاصی را از شمول تعهدات آزادسازی مستثنی می‌سازند یا ابزارها و سازوکارهای حفاظتی آسان‌تری را برای آن‌ها فراهم می‌آورند (همان: ۵۵۴).

ساده‌ترین شاخصی که می‌توان معیاری برای امکان‌سنجی ادغام^۱ بین گروهی از کشورها استفاده کرد، تولید ناخالص داخلی (اندازه اقتصاد) کشورهاست. وقتی کشورها از نظر اندازه اقتصاد و درآمد سرانه به هم نزدیک‌تر باشند، امکان تجارت بین آن‌ها افزایش می‌یابد (حسینی و بزرگی، ۱۳۸۱؛ Helpman, 1987: 812). در واقع، کشورها از نظر اندازه اقتصاد به هم نزدیک هستند و تولیدات متنوع‌تری را وارد می‌کنند. نتایج تجربی این معیار در سازمان توسعه و همکاری اقتصادی تأیید شده است. برای ارزیابی ترتیب تجاری منطقه‌ای و مقایسه آن با دیگر ترتیبات مشابه موفق و کارآمد، دو شاخص اصلی استفاده می‌شود که با معیارهای ایجاد و انحراف تجارت ارتباط نزدیکی دارد: الف) تجانس یا همگونی و نزدیکی شاخص‌های اقتصادی؛ شاخص همگرایی اقتصادی^۲ و ب) درجه همگرایی تجاری؛ شاخص شدت تجارت^۳.

الف) تجانس و همگونی شاخص‌های اقتصادی. از معیارهای موفقیت ترتیب

تجاری منطقه‌ای، همگونی و نزدیکی شاخص‌های اقتصادی، به‌ویژه تجانس و همگونی درآمد سرانه اعضاست. همگونی یا تجانس شاخص‌ها به این معناست که همه اعضا به تناسب از منافع ترتیب منطقه‌ای برخوردار هستند و منافع و عواید ناشی از آزادسازی اقتصادی در سطح منطقه‌ای به‌طور عادلانه بین اعضا توزیع می‌شود (World Bank, 2000: 51). از نمونه

1. integration
2. Economic Convergence Index (ECI)
3. Trade Intensity Index (TII)

ترتیبات منطقه‌ای موفق در دنیا، اتحادیه اروپاست که می‌توان فرایند همگونی و همسان‌شدن شاخص‌های اقتصادی را بین اعضای آن مشاهده کرد. برای نمونه، عضویت در اتحادیه اروپا برای ایرلند، پرتغال و اسپانیا باعث شد تا درآمد سرانه آن‌ها به ترتیب از ۶۱، ۴۹ و ۲۷ درصد درآمد سرانه کشورهای بزرگ این اتحادیه در اواسط دهه ۱۹۸۰م به ۹۱، ۶۷ و ۳۸ درصد در اواخر دهه ۱۹۹۰م افزایش یابد (ibid: 52). این مسئله به خوبی روند همسان‌شدن شاخص‌های اقتصادی را بین اعضا نشان می‌دهد.

تجربه دیگر کشورها، به‌طور خاص کشورهای در حال توسعه، در اغلب موارد خلاف موضوع فوق را ثابت می‌کند و نشان می‌دهد که این ترتیبات در بین این گروه از کشورها چندان با موفقیت همراه نبوده است. در واقع، در اغلب موارد با منطقه‌گرایی بین کشورهای در حال توسعه اختلاف درآمد سرانه و سطح توسعه این کشورها بیش‌ازپیش تشدید شده است. نتایج یافته‌ها حاکی است ترتیبات منطقه‌ای بین دو کشور توسعه‌یافته، همگونی درآمد سرانه آن‌ها را موجب شده است و این فرایند در بین دو کشور فقیر با اختلاف سطح توسعه، ناهمگونی موجود بین شاخص‌های اقتصادی آن‌ها را به دنبال داشته است. به نظر می‌رسد این مسئله به دلیل غالب بودن اثر انحراف تجارت در این ترتیبات بین کشورهای در حال توسعه با درجه توسعه‌ای نامتوازن است.

ب) همگرایی تجاری. از معیارهای موفقیت و کارآمدی ترتیبات منطقه‌ای، درجه ترتیب اقتصادی بین اعضای آن منطقه است. این موضوع از طریق نسبت تجارت درون منطقه‌ای اعضا و دیگر مبادلات اقتصادی درون منطقه‌ای نظیر جریان سرمایه‌گذاری خارجی آن‌ها ارزیابی می‌شود. نسبت تجارت درون منطقه‌ای بین ترتیبات منطقه‌ای موجود در دنیا با یکدیگر اختلاف عمده‌ای دارد. مطالعات نشان می‌دهد که نسبت تجارت درون منطقه‌ای بین اعضا با درآمد زیاد به مراتب بیشتر از ترتیبات مشابه بین کشورهای با درآمد کم است. شدت تجارت شاخص همگرایی تجاری است که از طریق اندازه‌گیری نسبت تجارت درون منطقه‌ای کشور به تجارت فرامنطقه‌ای آن یا سهم آن در تجارت غیرمنطقه‌ای تعیین می‌شود. این نسبت در ارتباط با تمامی اعضای ترتیب منطقه‌ای به‌طور دسته‌جمعی نیز اندازه‌گیری می‌شود. شاخص شدت تجارت را علاوه بر آنکه می‌توان در ارتباط با کل تجارت

منطقه به طور عام به کار گرفت، برای شناخت دقیق تر آثار منطقه‌گرایی، می‌توان در سطح جزئی تر و در ارتباط با بخش‌ها یا کالاهای خاص محاسبه کرد (Sheila, 2000: 113-115).

اندازه‌گیری شدت تجارت نشان می‌دهد که آیا افزایش تجارت درون منطقه‌ای به بهای کاهش تجارت یک منطقه با دنیا تحقق می‌یابد یا آنکه افزایش تجارت به طور هماهنگ و متوازن اتفاق افتاده است؟ اندازه‌گیری شدت تجارت، آهنگ رشد تجارت درون منطقه‌ای و تجارت فرامنطقه‌ای را نیز به طور پویا نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که آیا در صورت کاهش نیافتن حجم تجارت فرامنطقه‌ای، انحراف تجارت به وقوع پیوسته است؟ با فرض ثلث بودن تقاضای جهانی یا برابر بودن نوسان‌های آن در داخل و خارج منطقه و ثبات دیگر شرایط، افزایش شدت تجارت در اثر افزایش تجارت درون منطقه‌ای و کاهش سهم منطقه در تجارت جهانی نشانه وقوع انحراف تجارت خواهد بود. در مقابل، در صورت ثابت بودن سهم منطقه در تجارت جهانی و افزایش شدت تجارت، به دلیل افزایش تجارت درون منطقه‌ای، اثر ایجاد تجارت در ترتیب منطقه‌ای وجود خواهد داشت (ibid: 115). شاخص شدت تجارت (صادرات) بر اساس نسبت سهم شریک تجاری به کل تجارت (صادرات) منطقه/ کشور و سهم کل تجارت (صادرات) جهانی همان شریک تجاری محاسبه می‌شود. نحوه محاسبه شاخص شدت تجارت (صادرات) به شرح روابط زیر است (Asian Development Bank, 2022).

$$XII_{ij} = \frac{x_{ij} / X_{iw}}{x_{wj} / X_{ww}} \quad TII_{ij} = \frac{t_{ij} / T_{iw}}{t_{wj} / T_{ww}}$$

TII_{ij} یا XII_{ij} شاخص شدت تجارت (صادرات) کشور/ منطقه i به کشور/ منطقه j ، x_{ij} یا t_{ij} ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) کشور/ منطقه i به کشور/ منطقه j ، T_{iw} یا X_{iw} ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) کشور/ منطقه i به کل جهان، t_{wj} یا x_{wj} ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) جهانی کشور/ منطقه j و T_{ww} یا X_{ww} ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) جهانی است. روند بلندمدت شاخص شدت تجارت برای کشور/ منطقه اگر روبه بهبود گذارد، به معنای اهمیت رو به افزایش تجارت آن کشور/ منطقه در تجارت جهانی (ایجاد تجارت) است؛ برعکس اگر روند بلندمدت این شاخص رو به افول پیش رود، گویای کاهش اهمیت تجارت آن کشور/ منطقه در تجارت جهانی (انحراف تجارت) است. این شاخص برای

جریان دوجانبه و منطقه‌ای تجارت، به‌ویژه برای صادرات کالا، کاربرد دارد. داده‌های آمارهای بین‌المللی از نهادهای بین‌المللی - از جمله سازمان جهانی تجارت، صندوق بین‌المللی پول و کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) - جمع‌آوری، پردازش، تحلیل و ارزیابی شده است؛ منتهی اطلاعات آماری به‌روز ایران در چند سال اخیر، به‌ویژه در وضعیت تشدید تحریم‌ها، مخدوش و ماهیت غیررسمی و پیش‌بینی شده دارد. بنابراین، برای تحلیل‌های مقاطع مختلف سالانه به بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ م بسنده شده است که البته برای هدف‌های این نوشتار کافی به‌نظر می‌رسد. با توجه به نتایج پژوهش، داده‌های خام آمارهای بین‌المللی به شرح زیر گردآوری، تنظیم و دسته‌بندی شده است: نخست، داده‌های آماری اقتصاد کلان بین‌الملل، همچنین شاخص‌های همگونی درآمد سرانه اعضای شورا و ایران از گزارش‌های سالانه تجارت و سرمایه‌گذاری کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) و بانک جهانی گردآوری و اخذ شده است. دوم، داده‌های آماری سیر تحولات سیاست تجاری با تکیه بر تعرفه‌های گمرکی کشورهای عضو شورا و ایران از گزارش سالانه آمارهای بین‌المللی کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) جمع‌آوری شده است. در نهایت، داده‌های آماری شرکای تجاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران و کشورهای عضو شورا، همچنین شدت تجارت از گزارش سالانه آمارهای بین‌المللی تجارت صندوق بین‌المللی پول جمع‌آوری شده است.^۱

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

از سرفصل‌های چندگانه نتایج پژوهش، سرفصل همگونی و تجانس اقتصادی اعضا، همگرایی تجاری اعضا، شرکای تجاری طبیعی اعضا و سیاست تجاری اعضا بر متغیرهایی متمرکز است که بیشترین تأثیرپذیری را از عملکرد شورا و آثار یکپارچگی منطقه‌ای دارد. بنابراین، در این پژوهش بر همگونی اقتصادی و همگرایی تجاری درون منطقه‌ای تمرکز شده است.

۱.۳. ارزیابی شاخص‌های کلیدی اقتصادی شورا و ایران

شاخص‌های کلیدی اقتصاد کلان بین‌الملل و تجارت کشورهای عضو شورای

۱. در ادامه، اسامی به اختصار شورا (شورای همکاری خلیج فارس)، امارات (امارات متحده عربی)، عربستان (عربستان سعودی) و کره (جمهوری/ کره جنوبی) درج می‌شود.

همکاری خلیج فارس و ایران (مربوط به سال ۲۰۲۱م) در جدول ۱ آمده است. نتایج حاصل از بررسی و تحلیل این شاخص‌ها به شرح زیر است.

۱. اندازه اقتصاد کشورهای عضو شورا ۱۶۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱م بود. عربستان با اندازه اقتصاد ۸۳۰ میلیارد دلار، نزدیک به نیمی (۴۹ درصد) از کل اندازه اقتصاد شورا سهم دارد. اندازه اقتصاد امارات با ۴۱۸ میلیارد دلار، ۲۵ درصد از اندازه اقتصاد شورا در رتبه دوم است. این دو کشور در مجموع ۱۲۴۹ میلیارد دلار، ۷۴ درصد از اندازه اقتصاد شورا را از آن خود دارند. اندازه اقتصاد شورا در سلطه اقتصاد عربستان و امارات واقع است. در سال ۲۰۲۱م، بیشترین و کمترین درآمد سرلنه با ۶۹۰۶۶ دلار از آن قطر و ۱۶۳۲۸ دلار از آن عمان بوده است. از لحاظ درآمد سرانه امارات، کویت، بحرین و عربستان در مراتب ۲ تا ۵ قرار دارند. در این سال، بالاترین رشد اقتصادی با ۴/۳۶+ درصد از آن امارات بود. درآمد سرانه ایران به مراتب کمتر است، به طوری که ۱۳ درصد درآمد سرانه قطر و حتی نسبت به کمترین درآمد سرانه عضو شورا (مربوط به عمان) کمتر است. به علاوه، رشد اقتصادی ایران ۵/۹- درصد بوده است که گویای عمق شکاف در درآمد سرانه ایران با اعضای شورا است.

۲. صادرات و واردات کالایی اعضای شورا در سال ۲۰۲۱م به ترتیب ۹۱۸/۶ و ۶۰۵/۵۷ میلیارد دلار بوده است، که ۴/۱۱ و ۲/۶۸ درصد از صادرات و واردات کالایی جهان است. تراز تجارت کالایی شورا با اتکا به تراز تجاری مثبت دو کشور عربستان و امارات به ترتیب با ۱۲۳/۳ و ۷۷/۶ میلیارد دلار، به رقم چشمگیر ۳۱۳/۲ میلیارد دلار مثبت است. دو کشور امارات و عربستان به ترتیب با ۴۲۵/۲ و ۲۷۶/۲ میلیارد دلار صادرات و در مجموع ۷۰۱/۴ میلیارد دلار، ۷۶/۴ درصد از صادرات شورا را تشکیل می‌دهد. همچنین، بین اعضا، این دو کشور به ترتیب با ۳۴۷/۵ و ۱۵۲/۹ میلیارد دلار واردات و در مجموع ۵۰۰/۴ میلیارد دلار، سهم ۸۲/۶ درصد از واردات شورا را به خود اختصاص داده است. رابطه مبادله تجارت کالایی اعضای شورا (به سال پایه ۲۰۱۵م = ۱۰۰) در سال ۲۰۲۱م بیشتر از ۱۰۰ بوده است. در این بین، بیشترین رابطه مبادله ۱۵۶ از آن قطر و کمترین ۹۷ از آن عمان است. رابطه مبادله تجارت سایر اعضا با بیش از ۱۱۲، در مراتب بعدی قرار دارد.

۳. در سال ۲۰۲۱م، جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱ اعضای شورا ۴۵/۶ میلیارد دلار بود که ۱/۴ درصد از جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی جهان سهم داشته است. دو کشور امارات و عربستان پابه‌پای هم، به ترتیب با ۲۰/۷ و ۱۹/۳ میلیارد دلار جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی، و در مجموع ۴۱ میلیارد دلار، ۹۰ درصد جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی شورا سهم داشته است. این در حالی است جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران به ارزش ۱/۴ میلیارد دلار، ۳ درصد کل جریان ورودی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و بسیار کمتر بوده است.

۴. در شرایطی که تمامی کشورهای عضو شورا تورم تکریمی و حتی منفی داشته‌اند، ایران با تورم ۴۰/۱ درصد جزء بالاترین نرخ‌های تورم در منطقه و جهان بوده است.

۵. از ارزیابی شاخص‌های کلیدی اقتصادی کشورهای عضو شورا نتیجه می‌شود دو بازیگر نخست، عربستان و امارات است. در واقع، از جنبه اندازه اقتصاد، تجارت و سرمایه‌گذاری این دو کشور نقش ممتاز داشته است و بازیگران کلیدی شورا هستند. جمعیت ایران با ۸۷/۹ میلیون نفر، ۱/۱ درصد از جمعیت جهان محسوب می‌شود. سهم ایران از سه متغیر کلیدی توسعه شامل اندازه اقتصاد، صادرات و جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی، به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۳۲ و ۰/۰۹ درصد است. این در شرایطی است که جمعیت شورا با ۵۸/۲ میلیون نفر، ۰/۷۴ درصد جمعیت جهان است. سهم شورا از سه متغیر کلیدی توسعه شامل اندازه اقتصاد، صادرات و جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی جهان به ترتیب ۱/۷۵، ۴/۱۱ و ۲/۸۸ درصد بوده است. با وجود جمعیت بیشتر ایران (۸۷/۹ میلیون نفر) به کل جمعیت شورا (۵۸/۲ میلیون نفر)، از سه جنبه توسعه اقتصاد کلان ایران با شورا گویای تعمیق شکاف است (اندازه اقتصاد ایران ۴۷ درصد شورا، صادرات ایران ۷/۸ درصد شورا و جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی ایران ۳ درصد شورا). از این سه متغیر اقتصاد کلان بیشترین شکاف در جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی و جریان تجارت بوده است که دورنمای رشد و توسعه ایران را با نگرانی مواجه می‌سازد.

۶. نکته مهم تر اینکه در چارچوب یکپارچگی منطقه‌ای ایران و کشورهای عضو شورا، اوضاع اقتصاد کلان، تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی ایران از بالقوه تا بالفعل بسیار فاصله دارد، به‌ویژه اوضاع و احوال ثبات محیط اقتصاد کلان ایران نامناسب ارزیابی می‌شود، از جمله ثبات محیط اقتصاد کلان، رشد اقتصادی، نرخ تورم. گفتنی است سرانه این شاخص‌ها در بین ایران و کشورهای عضو شورا عمق شکاف را آشکارتر می‌سازد، به طوری که وضعیت سرانه این شاخص‌ها از کمترین سرانه عضو شورا، به مراتب کمتر است. بنابراین، در چارچوب یکپارچگی منطقه‌ای، تا اوضاع و احوال محیط اقتصاد کلان ایران به ثبات نسبی ارتقا نیابد، یکپارچگی منطقه‌ای ایران با شورای همکاری خلیج فارس امکان‌ناپذیر است.

۳.۲. تجانس و همگونی درآمد سرانه کشورهای عضو شورا و ایران

تولید ناخالص داخلی سرانه و شاخص تجانس و همگونی درآمد سرانه کشورهای عضو شورا و ایران طی مقاطع سالانه در شکل ۱ نشان داده شده است. از این آمار نتیجه می‌شود که بیشترین تولید سرانه در بین کشورهای عضو شورا، به دو کشور قطر و امارات تعلق دارد. از ابتدا تا انتهای دوره تولید سرانه، این دو کشور کمابیش نزدیک هم رو به افزایش گذاشته‌اند. در مقابل، در طول دوره، کمترین تولید سرانه در بین کشورهای شورا، از آن عمان بوده است. البته، با وجود تولید سرانه نازل عمان در مقایسه با کشورهای عضو شورا، این کشور توانسته است تولید سرانه را از ۸/۳ هزار دلار به ۱۹/۵ هزار دلار، به‌طور چشمگیری افزایش دهد. در فاصله این دو طیف، بیشترین و کمترین تولید سرانه، به سه کشور بحرین، کویت و عربستان تعلق دارد. در این بین، عمان در مقایسه با تمام اعضا، طی دوره عملکرد به مراتب قوی‌تری داشته است.

در مطالعه شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه در سال پایه ۲۰۰۰=۱۰۰ (به اختصار شاخص تولید سرانه)، در کشورهای عضو شورا طی مقاطع سالانه در دوره بلندمدت، بالاترین عملکرد تولید سرانه طی این دوره به ترتیب از آن عربستان، قطر، عمان و بحرین بوده است. تولید سرانه این کشورها، طی دوره، بیش از دو برابر افزایش داشته است. شاخص تولید سرانه سایر اعضا نیز کمتر بوده است.

جدول ۱. شاخص‌های کلیدی اقتصاد کلان بین‌الملل و تجارت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و ایران، ۲۰۲۱م

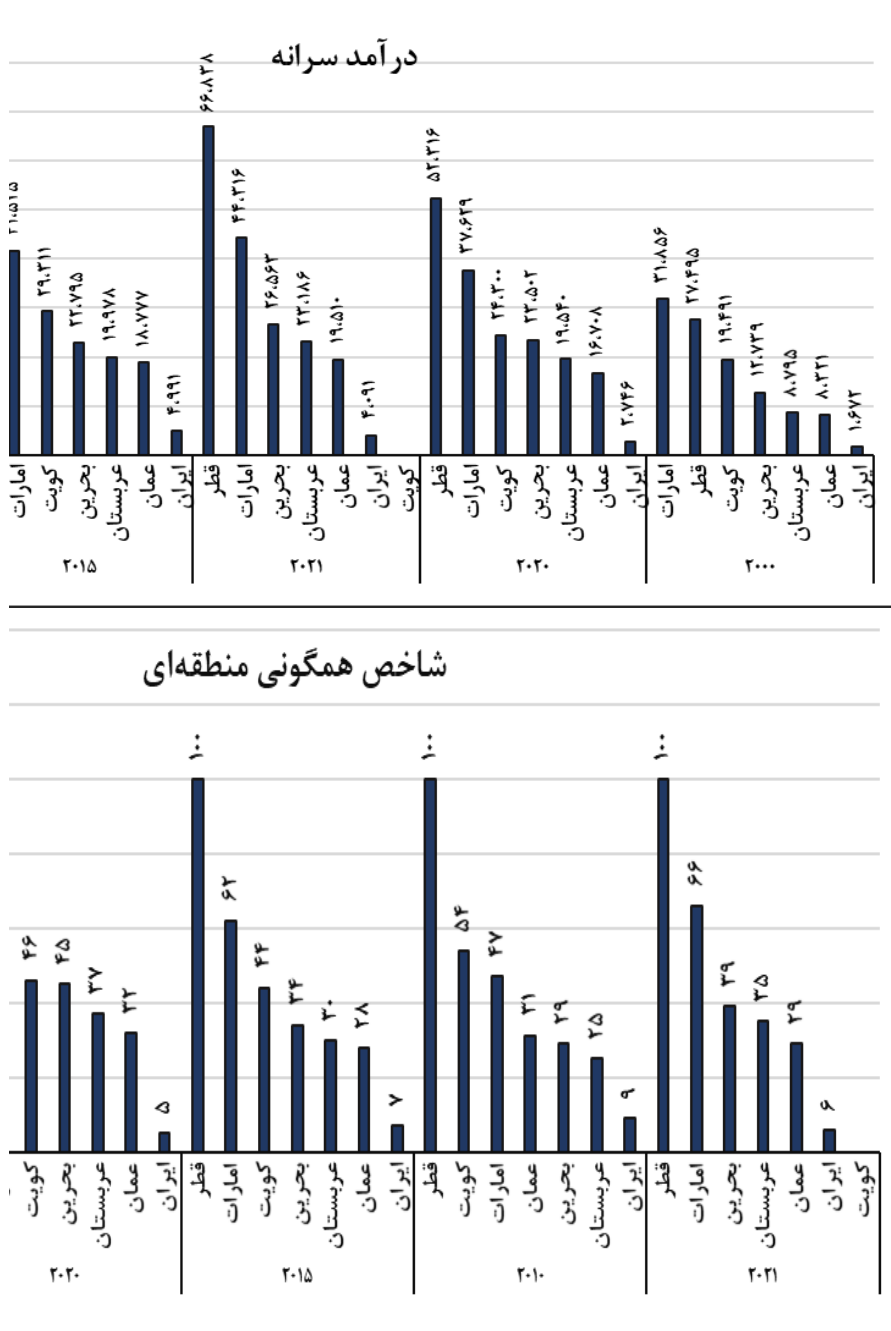
شرح	تجارت کالایی		تجارت خدمات		اندازه اقتصاد		FDI جریان		درصد تورم	جمعیت میلیون نفر	
	صادرات B\$	واردات B\$	مبادله رابطه ۱۰۰=۲۰۱۵	واردات B\$	صادرات B\$	تراز حساب جاری M\$	GDP B\$	GDP سرنانه دلار			درصد رشد
بحرین	۲۲/۳۷	۱۴/۱۹	۱۱۲	۱۳/۲۳	۱۰/۲۹	+۲/۶	۳۸/۲۳	۲۶۱۸۳	+۳/۲	۰/۰۶	۱/۷۷
کویت	۶۳/۱۳	۳۱/۸۹	۱۲۵	۱۰/۸۴	۲۰/۶۸	+۲۱/۷۳	۱۳۸/۸۲	۳۲۶۶۴	+۳/۲	۳/۶۳	۰/۲۰
عمان	۴۴/۵۹	۳۱/۰۰	۹۷	-۲/۴۴	۷۳/۸۰	۱۶۳۲۸	+۲/۳	۰/۵۸	۳/۶۲
قطر	۸۷/۲۰	۲۷/۹۹	۱۵۶	۱۸/۳۵	۳۴/۳۴	+۲۶/۲۹	۱۸۵/۷۹	۶۹۰۶۶	+۳/۵	۰/۱۶	-۱/۰۹
عربستان	۷۶/۱۸	۱۵۲/۸۵	۱۴۰	۱۰/۳۰	۷۳/۲۸	+۴۴/۳۲	۸۳۰/۳۰	۲۳۰۹۶	+۳/۳	۲۳/۸۶	۱۹/۲۹
امارات متحده	۲۵/۱۶	۳۴۷/۵۳	-	۱۰/۱۸۴	۷۶/۱۱	+۴۷/۹۵	۴۱۸/۴۹	۴۴۶۶۳	+۴/۳	۲۲/۵۵	۲۰/۶۷
شورا	۱۸/۶۳	۶۰۵/۴۵	-	۱۵۴/۵۶	۲۱۴/۷۰	+۱۴۰/۴۵	۱۶۸۵/۴۳	۲۸۹۳۹	-	۵۰/۸۴	۴۵/۵۵
سهم شورا	۴/۱۱	۲/۶۸	-	۲/۵۵	۳/۸۲	-	۱/۷۵	-	-	۲/۹۸	۲/۸۸
ایران	۷۱/۶	۴۹/۰	۱۳۸	۵/۸	۱۱/۱	-	۷۹۵/۳	۹۰۴۸	-۵/۹	۰/۰۸	۱/۴
جهان	۲۲۳۲۸	۲۲۵۸۷	۱۰۳	۶۰۷۲	۵۶۲۳	۷۱۰	۹۶۲۵۶/۲	۱۲۱۷۰	+۵/۷	۱۷۰۸	۱۵۸۲

مأخذ: نتایج یافته‌های تحقیق حاضر بر مبنای داده‌های خام آماری (UNCTAD, 2021, 86-97)

همچنین، ابعاد شاخص همگونی و تجانس تولید ناخالص داخلی سرانه اعضای شورا طی دوره بلندمدت نیز بررسی شده است. به همین منظور، تولید ناخالص داخلی سرانه قطر از اعضای شورا، به عنوان شاخص و مبنای همگونی تولید سرانه منطقه‌ای، وضعیت تولید سرانه اعضا نسبت به تولید سرانه قطر (کشور شاخص) سنجیده شده است. همگونی و تجانس تولید سرانه کشورهای شورا در مقیاس منطقه‌ای طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ م معنادار بوده است، چراکه همگونی و همسان شدن درآمد سرانه با محوریت قطر (عدد ۱۰۰)، در ابتدا (سال ۲۰۰۰ م) و انتهای دوره (۲۰۲۱ م) برای عربستان از ۳۲ به ۳۵ بهبود یافته است که همگونی و تجانس درآمد سرانه در این بین را تأیید می‌کند. البته، فرایند همگونی و همسان شدن تولید سرانه با محوریت قطر، برای بحرین از ۴۶ به ۳۹، برای کویت از ۷۱ به ۴۶ و برای امارات از ۱۱۶ به ۶۶ رو به کاهش گذاشته است. یکایک این کشورها نیز عملکرد درآمد سرانه مناسبی داشته‌اند، چراکه برای برخی کشورها بدون تغییر، برای برخی کشورها واگرا و برای برخی دیگر همگرایی و تجانس درآمد سرانه رخ داده است. بنابراین، همگونی و تجانس تولید سرانه در بین بسیاری اعضای شورا تأیید می‌شود.

از مقایسه همگونی و تجانس درآمد سرانه ایران با کشورهای عضو شورا نتیجه می‌شود در ۲۰ سال گذشته، درآمد سرانه ایران به‌طور عمومی کمتر بوده و از عمق شکاف درآمد سرانه ایران با آن کشورها کاسته نشده است. در واقع، با وجود آنکه درآمد سرانه ایران از ۱۶۷۲ دلار در سال ۲۰۰۰ م به ۴۰۹۱ دلار در سال ۲۰۲۱ م، ۲/۴۵ برابر شده است، همگونی و تجانس درآمد سرانه ایران در مقایسه با کشور شاخص منطقه، با عدد ۶ در ابتدا و انتهای دوره بدون تغییر مانده است؛ به‌ویژه آنکه همچنان شکاف عظیمی بین درآمد سرانه ایران با کشور شاخص وجود دارد (از شاخص ۱۰۰ برای درآمد سرانه قطر، عدد ۶ شاخص درآمد سرانه ایران است).

شاخص همگونی تولید سرانه منطقه‌ای گویای آن است بیشترین تجانس و همگونی تولید سرانه منطقه‌ای برای کشورهای عضو شورا، برای عربستان از ۱۰۰ به ۱۰۹ رخ داده است. در مقابل، مطابق این معیار، ضعیف‌ترین تجانس و همگونی برای امارات از ۱۰۰ به ۵۷ و برای کویت از ۱۰۰ به ۶۵ مشاهده می‌شود. در این بین، بیشترین مشابهت و نزدیکی تولید سرانه در کل طول دوره بلندمدت از آن قطر، عمان و عربستان است.



شکل ۱. تجانس و همگونی در تولید ناخالص داخلی سرانه (GDPPC)^۱ ایران و اعضای شورا
 مأخذ: نتایج پژوهش به نقل از داده‌های آماری (World Bank (2022)

1. GDP Per Capita

مجموعه متغیرهای اقتصاد کلان— از جمله تولید سرانه، تورم و رشد اقتصادی— یا جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌طور غیرمستقیم و در شرایط اتحادیه کامل اقتصادی (با تحرک عوامل و سیاست‌های اقتصادی واحد) متأثر می‌شود. متغیرهای اقتصاد کلان در هر کشور متأثر از سیاست‌های پولی و مالی (داخلی) و سیاست تجاری آن کشور است. همچنین، عوامل متعدد ساختاری در کشورها مانند نهادها، شرایط سیاسی، ثبات محیط اقتصاد کلان، فضای کسب‌وکار و شوک‌ها و تکانه‌های غیراقتصادی از جمله تحریم‌ها و نظایر آن، به‌شدت تأثیرگذار هستند. نمونه بارز آن برای اقتصاد ایران در دهه ۱۳۹۰ رخ داد و بیم آن می‌رود در دهه نخست ۱۴۰۰ م تداوم یابد.^۱

۳.۳. شرکای تجاری اصلی (فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای) اعضای شورا و ایران
شرکای تجاری اصلی و کلیدی نخست (صادرات محصولات کشاورزی و غیرکشاورزی) فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای کشورهای عضو شورا در سال ۲۰۲۰ م (واحد ارقام ارزش کل صادرات به میلیارد دلار، ارزش صادرات کشاورزی و غیرکشاورزی به میلیون دلار و دسترسی به درصد) در جدول ۲ و شکل ۲ درج است. مطابق اطلاعات آماری نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. صادرات عمان ۳۳/۴۸ میلیارد دلار بود که ۲۸/۶ میلیارد دلار معادل ۸۵/۳ درصد به پنج شریک نخست صادر می‌شود. شرکای نخست صادرات غیرکشاورزی با ۸۳/۵ درصد از کل صادرات، چین، هند، کره، امارات و ژاپن هستند. بنابراین، از اعضای شورا، تنها امارات، شریک تجاری طبیعی عمان است. صادرات کشاورزی عمان به بازار امارات، عربستان، قطر، کویت و بحرین روانه می‌شود و این پنج عضو شورا، شرکای تجاری طبیعی صادرات کشاورزی عمان هستند.

۲. صادرات قطر ۵۱/۵ میلیارد دلار بود که ۳۷/۳ میلیارد دلار معادل ۷۲/۴ درصد به پنج شریک نخست صادر می‌شود. شرکای نخست صادرات غیرکشاورزی با ۷۲/۱ درصد از کل صادرات، ژاپن، چین، هند، کره و

۱. بانک جهانی در طبقه‌بندی اقتصادهای جهان در ۲۰۲۲ م در چهار گروه درآمدی؛ بالا، متوسط‌بالا، متوسط‌پایین و کم‌درآمد، ایران را در گروه اقتصادها با سطح درآمدی متوسط‌پایین قرار داده است. از علل تنزل موقعیت ایران، رشد کم و توقف رشد تولید ناخالص داخلی همراه با سقوط ارزش خارجی ریال بوده است (World Bank, 2022).

جدول ۲. ارزش تجارت و صادرات کشاورزی و غیرکشاورزی ایران و اعضای شورا به پنج شریک تجاری نخست (سال ۲۰۲۰م)

صادرات به پنج شریک تجاری نخست و ارزش صادرات					دسترسی ^۱	صادرات	شرح
					۰.۵	۱۱.۵۶	کل
					۰.۰	۳۱۷	کشاورزی
					۰.۵	۶۰۸۷	غیرکشاورزی
					۱.۰	۴۰.۱۵	کل
					۰.۰	۲۵۹	کشاورزی
					۱.۰	۳۱۰۵۹	غیرکشاورزی
					۱.۲	۳۳.۴۸	کل
					۰.۰	۶۰۷	کشاورزی
					۱.۲	۲۷۹۴۶	غیرکشاورزی
					۱.۹	۵۱.۵۰	کل
					۲.۲	۱۳	کشاورزی
					۱.۹	۳۷۱۴۰	غیرکشاورزی
					۱.۴	۱۷۶.۵۱	کل
					۰.۲	۲۱۸۶	کشاورزی
					۱.۵	۱۱۱۴۵۲	غیرکشاورزی
					۲.۷	۳۳۵.۳۰	کل
					۵.۹	۲۵۸۵	کشاورزی
					۲.۶	۸۱۹۱۸	غیرکشاورزی
					۳.۹	۴۱.۰۴	کل
					۷.۹	۱۴۸۳	کشاورزی
					۳.۲	۸۲۲۸	غیرکشاورزی

ماخذ: WTO ITC UNCTAD (2022: 184-9)

1. Applied Weighted Tariff Faced in Major Markets

۵. از بین اعضای شورا، کشورهای با اندازه اقتصاد و تجارت کوچک‌تر نظیر بحرین، در بازار عضو شورا حضور مؤثری دارند. اما، هرچه اندازه اقتصاد و تجارت کشوری بزرگ‌تر می‌شود- نظیر امارات، عربستان و قطر- محصولات غیرکشاورزی کمتری به اعضای شورا صادر می‌کند. صادرات محصولات کشاورزی اعضای شورا با وجود آنکه نازل است، به بازار کشورهای منطقه، به‌ویژه به بازار اعضای شورا عرضه شده است.
۶. صادرات ایران ۴۱/۰۴ میلیارد دلار بود که ۹/۷ میلیارد دلار معادل ۲۳/۷ درصد به پنج شریک نخست صادر می‌شود. شرکای نخست صادرات غیرکشاورزی با ۲۰/۱ درصد از کل صادرات، چین، ترکیه، اتحادیه اروپا، پاکستان و ارمنستان هستند. بنابراین، هیچ‌کدام از اعضای شورا در بازار صادرات غیرکشاورزی ایران جایگاهی ندارد. البته، صادرات کشاورزی ایران به بازار اعضای شورا، از جمله امارات و قطر، عرضه می‌شود. با وجود مجاورت ایران، بازار ایران جز شرکای تجاری صادرات کشاورزی و غیرکشاورزی هیچ‌یک از شش عضو شورا نیست. همچنین، بازار اعضای شورا در بازار صادرات غیرکشاورزی ایران جایگاهی ندارد و تنها امارات و قطر در بازار صادرات کشاورزی ایران حضور دارند.
۷. در این بین، هیچ عضوی از شورا توسعه تجارت دوجانبه و متوازی ندارد و شریک تجاری طبیعی متقابل یکدیگر نیستند. در واقع، هیچ عضوی از شورا قسمت قابل ملاحظه‌ای از واردات را از کشورهای شورا تأمین و قسمت زیادی از صادراتشان را به این کشورها روانه نمی‌کند. در واقع، تجارت درون منطقه‌ای دوجانبه و متقابل شورا ناچیز ارزیابی می‌شود. جریان تجارت دوجانبه موجود، گویای آن است که ایران و بسیاری از اعضای شورای همکاری خلیج فارس شرکای تجاری طبیعی متقابل یکدیگر محسوب نمی‌شوند (البته، نه تجارت دوجانبه و متقابل بالقوه).
۸. کمتر عضو شورا یکی از پنج شریک نخست صادرات غیرکشاورزی ایران است. هیچ‌کدام از این کشورها به‌طور متقابل بخش مهمی از صادرات و واردات را با ایران مبادله نکرده است. در این بین، ایران، به‌دلایل محدودیت شرکای تجاری فرامنطقه‌ای، در توسعه تجارت با همسایگان، در بین شرکای تجاری صادراتی، تنها در امارات حضور دارد.
۹. نظر به ناهمگونی و عدم تجانس و ناهمسانی نسبی اندازه صادرات و واردات

اعضای شورا و ایران، امکان توسعه تجارت درون منطقه‌ای زیاد و همپای اقتصادهای بزرگ با درآمد سرانه زیاد میسر نیست، مگر آنکه در بلندمدت ایران با درآمد فعلی کم در مسیر رشد زیاد قرار گیرد و اندازه اقتصاد و درآمد سرانه ایران تا چند برابر اندازه فعلی افزایش یابد. متعاقباً، تجارت خارجی و تجارت با اعضای شورای همکاری خلیج فارس گسترش یابد و متنوع‌تر شود.

۴.۳. سیاست تجاری با محوریت تعرفه‌های وارداتی کشورهای عضو شورا و ایران در جدول ۳، سیاست تجاری در دو دسته مورد تعهد و مورد عمل غیرتبعیض‌آمیز (MFN)^۱ از دامنه، ابعاد و جنبه‌های مختلف میانگین ساده/ وزنی نرخ تعرفه، تعرفه صفر، تعرفه غیرارزشی، تعرفه تا ۱۵ درصد، تعرفه بیش از سه برابر میانگین، حداکثر تعرفه و نظایر آن برای واردات کشورهای عضو شورا و ایران مطابق نظام هماهنگ^۲ برای محصولات (کل، کشاورزی، غیرکشاورزی)، بر مبنای جدیدترین آمارهای تجاری در دسترس (سال ۲۰۲۱م) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد:

۱. کامل‌ترین اطلاعات مرتبط با سیاست تجاری برای تمامی کشورهای عضو شورا به‌جز

ایران درج شده است. در این بین اطلاعات آمار تعرفه گمرکی ایران ناقص است.

۲. میانگین ساده تعرفه‌های گمرکی نشان‌دهنده میانگین نرخ تعرفه گمرکی مصوب در جداول مقررات گمرکی کشورهاست (نرخ تعرفه گمرکی که در کتاب مقررات گمرکی کشورها مشاهده می‌شود)، اما میانگین وزنی تعرفه گمرکی گویای آن است که با نرخ تعرفه گمرکی وضع شده، چه میزان واردات در عمل انجام شده است (نرخ تعرفه مؤثر). بیشترین شکاف برای ارقام میانگین ساده و وزنی تعرفه‌ها از آن ایران بوده است. از دلایل شکاف و فاصله بین میانگین ساده و موزون ریشه در مداخلات پر دامنه و وسیع دولت در تجارت دارد، از جمله حمایت‌ها، انحراف‌ها، قیمت‌گذاری و شکاف نرخ ارز.

۳. در بین اعضای شورا، برای تمامی اعضا همگونی و تجانس در میانگین ساده و وزنی تعرفه گمرکی برای انواع محصولات کشاورزی، غیر کشاورزی و تولیدات صنعتی مشاهده می‌شود. به‌علاوه، طی دوره، به‌جز ایران، روند میانگین ساده، به‌ویژه وزنی تعرفه گمرکی برای محصولات با آهنگ و شیئی ملایم رو به کاهش بوده است.

1. Most-Favoured-Nation (MFN) Treatment Principle

2. Harmonized Commodity Description and Coding System, also known as the Harmonized System (HS)

جدول ۳. تعرفه کاربردی MFN بر مبنای شش رقم نظام هماهنگ کل، کشاورزی و غیرکشاورزی ایران و شورا (سال ۲۰۲۱م)

شرح	بحرین	کویت	عمان	قطر	عربستان	امارات	ایران
کل	۷۰.۳	۹۹.۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	..
کشاورزی							
غیرکشاورزی	۶۵.۵	۹۹.۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	..
کل	۳۴.۹	۹۸.۰	۱۴.۰	۱۵.۷	۱۱.۴	۱۴.۵	..
کشاورزی	۳۹.۴	۱۰۰	۲۸.۰	۲۵.۵	۱۷.۸	۲۵.۶	..
غیرکشاورزی	۳۳.۸	۹۷.۷	۱۱.۷	۱۴.۰	۱۰.۴	۱۲.۷	..
کل	۴.۸	۴.۶	۵.۶	۵.۱	۶.۳	۴.۸	۲۰.۱
کشاورزی	۵.۹	۵.۱	۱۱.۵	۸.۰	۱۰.۷	۶.۱	۲۸.۴
غیرکشاورزی	۴.۶	۴.۶	۴.۶	۴.۶	۵.۶	۴.۶	۱۸.۷
کل	۲.۰	۲.۰	۶.۱	۳.۰	۶.۸	۳.۱	..
کشاورزی	۰	۰	۰	۰	۰.۱	۰	..
غیرکشاورزی	۲.۳	۲.۳	۷.۱	۳.۵	۸.۰	۳.۶	..
کل	۱۰.۹	۱۰.۵	۱۰.۵	۱۰.۵	۱۰.۵	۱۰.۵	۰.۰
کشاورزی	۲۶.۴	۲۳.۴	۲۳.۴	۲۳.۴	۲۳.۴	۲۳.۴	۰.۰
غیرکشاورزی	۸.۴	۸.۴	۸.۴	۸.۴	۸.۵	۸.۴	..

1. binding coverage in %

2. simple average: Bound and MFN applied

3. duty-free

شرح		بحرین	کویت	عمان	قطر	عربستان	امارات	ایران
درصد خطوط تعرفه‌های غیرارزشی ^۱	کل	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰	۱.۳	۰	..
	کشاورزی	۰	۰	۰	۰	۸.۹	۰	..
	غیرکشاورزی	۰	۰	۰	۰	۰.۱	۰	..
مورد عمل غیرتبعض‌آمیز	کل	۰.۲	۱.۶	۰.۷	۰	۱.۷	۱.۵	۰.۰
	کشاورزی	۱.۳	۸.۷	۲.۸	۰	۹.۸	۸.۷	۰.۰
	غیرکشاورزی	۰	۰.۴	۰.۳	۰	۰.۴	۰.۳	۰.۰
درصد خطوط تعرفه‌های بیش از ۱۵ درصد ^۲	کل	۶۸.۳	۹۷.۹	۶.۰	۱۷.۸	۱.۳	۰.۸	..
	کشاورزی	۹۹.۹	۱۰۰	۱۱.۴	۲۴.۰	۶.۳	۵.۷	..
	غیرکشاورزی	۶۳.۲	۹۷.۶	۵.۱	۱۶.۸	۰.۴	۰	..
مورد عمل غیرتبعض‌آمیز	کل	۰.۴	۰.۲	۱.۱	۰.۷	۱.۲	۰.۲	۴۰.۸
	کشاورزی	۱.۳	۱.۳	۷.۲	۴.۳	۶.۰	۱.۳	۵۶.۶
	غیرکشاورزی	۰.۳	۰	۰.۱	۰.۱	۰.۴	۰	۳۸.۲
درصد خطوط تعرفه‌های بیش از ۳ برابر میانگین ^۳	کل	۰.۳	۰.۰	۱.۴	۰.۸	۰.۲	۰.۸	..
	کشاورزی	۲.۱	۰	۷.۳	۵.۳	۱.۳	۵.۷	..
	غیرکشاورزی	۰.۰	۰	۰	۰	۰	۰	..
مورد عمل غیرتبعض‌آمیز	کل	۰.۴	۰.۲	۱.۱	۰.۷	۱.۲	۰.۲	۰.۱
	کشاورزی	۱.۳	۱.۳	۷.۲	۴.۳	۱.۴	۱.۳	۰.۰
	غیرکشاورزی	۰.۳	۰	۰.۱	۰.۱	۰.۴	۰	۰.۱

1. non ad valorem duties

2. duties > 15%

3. duties > 3*AVG

شرح	بحرین	کویت	عمان	قطر	عربستان	امارات	ایران
کل	۰.۰	۰.۰	۰	۰	۰	۰	..
کشاورزی	۰	۰.۰	۰	۰	۰	۰	..
غیرکشاورزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	..
کل	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۲۰۰	>۱۰۰۰	۲۰۰	..
کشاورزی	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۲۰۰	>۱۰۰۰	۲۰۰	..
غیرکشاورزی	۱۰۰	۱۰۰	۲۰	۳۰	۲۰	۱۵	..
کل	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰	>۱۰۰۰	۲۰۰	۱۰۰
کشاورزی	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰	>۱۰۰۰	۲۰۰	۵۵
غیرکشاورزی	۲۰	۵	۱۰۰	۲۰	۲۰	۵	۱۰۰
کل	۴	۲	۱۵	۱۶	۱۰.۹	۱۱	..
کشاورزی	۳	۱	۱۱	۱۰	۱۰.۴	۲	..
غیرکشاورزی	۳	۲	۹	۱۴	۱۷	۱۰	..
کل	۸	۳	۱۰	۵	۲۷	۷	۱۵
کشاورزی	۷	۳	۱۰	۴	۲۴	۷	۹
غیرکشاورزی	۴	۲	۳	۴	۱۳	۲	۱۵

1. concessions not yet implemented
2. maximum duty
3. number of distinct duty rates

ایران	امارات	عربستان	قطر	عمان	کویت	بحرین	شرح
..	۱۱۹	۱۸۸	۱۰۹	۱۳۹	۱۹	۴۰	کل
..	۱۶۸	۲۹۷	۱۶۲	۱۵۵	۰	۶۴	کشاورزی
..	۳۵	۵۲	۴۱	۵۲	۲۲	۲۶	غیرکشاورزی
۹۲	۱۸۶	۳۷۴	۱۵۹	۲۱۳	۱۱۳	۱۹۲	کل
۷۸	۳۳۴	۵۲۴	۲۴۵	۲۶۱	۲۳۲	۳۴۵	کشاورزی
۹۳	۳۲	۶۲	۳۶	۵۵	۳۲	۳۸	غیرکشاورزی
۸۲۶۷	۷۵۷۷	۱۵۰۳۰	۷۶۴۱	۷۵۷۷	۱۲۵۷۷	۷۵۲۰	کل
۱۱۱۰	۱۲۶۳	۱۹۹۸	۱۲۶۰	۱۲۶۳	۱۲۶۳	۱۲۱۷	کشاورزی
۷۱۵۷	۶۳۱۴	۱۳۰۳۲	۸۳۸۱	۶۳۱۴	۶۳۱۴	۶۳۰۳	غیرکشاورزی

مأخذ: WTO ITC UNCTAD (2022: 25-8)

1. coefficient of variation
2. number of MFN applied tariff lines

۴. دامنه میانگین ساده و وزنی تعرفه گمرکی برای محصولات کشاورزی، غیرکشاورزی و تولیدات صنعتی این کشورها، به جز ایران، هماهنگ و همگن بوده است. در واقع، دامنه تعرفه برای انواع محصولات با پراکنش زیادی مواجه نبوده است. این در حالی است که دامنه تعرفه‌های گمرکی برای انواع محصولات در ایران ناهمگون و نامتجانس است.
۵. سیاست تجاری ایران صرفاً به تعرفه‌های گمرکی محدود نمی‌شود. در شرایط خاص بین‌المللی، بر اقتصاد ایران با محوریت تحریم‌ها، انواع مداخلات، کنترل‌ها در قالب ممنوعیت‌ها، مجوزها و محدودیت‌ها در سیاست تجاری ایران سلطه داشته است. بنابراین، سیاست تجاری ایران با شفافیت، پیش‌آگاهی و پیش‌بینی‌پذیری فاصله دارد.
۶. مطابق اطلاعات آماری مندرج در جدول ۳، هم‌اینک تمامی شش کشور عضو شورا در سیاست تجاری به مجموعه ابزارهای سیاستی مشترک و هماهنگ دست یافته‌اند. در واقع، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در فرایند تکاملی یکپارچگی منطقه‌ای، مراحل نخستین موافقتنامه تجارت ترجیحی و آزاد را گذرانده‌اند و هم‌اینک در چارچوب اتحادیه گمرکی ارزیابی و دسته‌بندی می‌شوند، به طوری که علاوه بر نظام تجاری هماهنگ در بین اعضای شورا، با کشورهای خارج از شورا به سیاست تجاری مشترکی دست یافته‌اند.
۳. ۵. شاخص کارآمدی منطقه‌گرایی در بین کشورهای عضو شورا و ایران شدت تجارت نشان می‌دهد که آیا افزایش تجارت درون منطقه‌ای به قیمت کاهش تجارت یک منطقه با دنیا بوده یا آنکه افزایش تجارت درون منطقه‌ای به طور هماهنگ و متوازن با توسعه تجارت با جهان رخ داده است؟ شاخص شدت تجارت آهنگ رشد تجارت درون منطقه‌ای و تجارت فرامنطقه‌ای را نیز به طور پویا نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که آیا با وجود کاهش نیافتن حجم تجارت فرامنطقه‌ای، انحراف تجارت به وقوع پیوسته است؟
- در جدول ۴ و ۵ و در شکل ۳، نتایج محاسبات شاخص شدت صادرات از طریق اندازه‌گیری نسبت صادرات درون منطقه‌ای هر کشور به صادرات فرامنطقه‌ای آن، یا سهم آن در صادرات غیرمنطقه‌ای برای اعضای شورا و ایران ارائه شده است. در ادامه، نتایج بررسی شده است.

جدول ۴. شاخص شدت تجارت (صادرات) درون منطقه‌ای شورا و ایران طی م ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱م

شرح	۲۰۰۱	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۱
صادرات جهانی (میلیارد دلار)	۶۱۳۶/۶	۱۵۰۹۹/۰	۱۶۴۱۶/۹	۱۷۴۹۲/۲	۲۲۱۴۳/۶
ارزش صادرات جهانی شورا (میلیارد دلار)	۲۲۶/۶	۷۹۲/۰	۶۹۲/۷	۶۸۴/۵	۹۰۷/۰
سهم ارزش صادرات جهانی شورا (درصد)	۳/۶۹	۵/۲۵	۴/۲۲	۳/۹۱	۴/۱۰
صادرات درون منطقه‌ای شورا (میلیارد دلار)	۱۳/۳۵	۷۱/۵۰	۶۷/۸۳	۷۰/۲۱	۸۸/۱۴
سهم صادرات درون گروهی شورا (درصد)	۵/۸۹	۹/۰۳	۹/۷۹	۱۰/۲۶	۹/۷۲
شدت تجارت (صادرات) درون گروهی شورا	۱/۵۹۶	۱/۷۲۰	۲/۳۲۰	۲/۶۲۴	۲/۳۷۱
شاخص شدت تجارت (صادرات) شورا (۲۰۰۱=۱۰۰)	۱۰۰	۱۰۷/۸	۱۴۵/۴	۱۶۴/۴	۱۴۸/۵
ارزش صادرات جهانی شورا و ایران (میلیارد دلار)	۲۵۰/۵	۹۰۰/۶	۷۵۲/۷	۷۲۵/۵	۹۸۲/۱
سهم ارزش صادرات جهانی شورا و ایران (درصد)	۴/۰۸	۵/۹۶	۴/۵۸	۴/۱۵	۴/۴۴
صادرات درون گروهی شورا و ایران (میلیارد دلار)	۱۴/۲۱	۷۵/۲۲	۷۳/۶۳	۷۲/۱۲	۹۴/۰۹
سهم صادرات درون گروهی شورا و ایران (درصد)	۵/۶۷	۸/۳۵	۹/۷۸	۹/۹۴۱	۹/۵۸۰
شدت تجارت (صادرات) درون گروهی شورا و ایران	۱/۳۹۰	۱/۴۰۱	۲/۱۳۶	۲/۳۹۵	۲/۱۵۸
شاخص شدت تجارت (صادرات) شورا و ایران (۲۰۰۱=۱۰۰)	۱۰۰	۱۰۰/۷۹	۱۵۳/۶۶	۱۷۲/۳۳	۱۵۵/۲۴

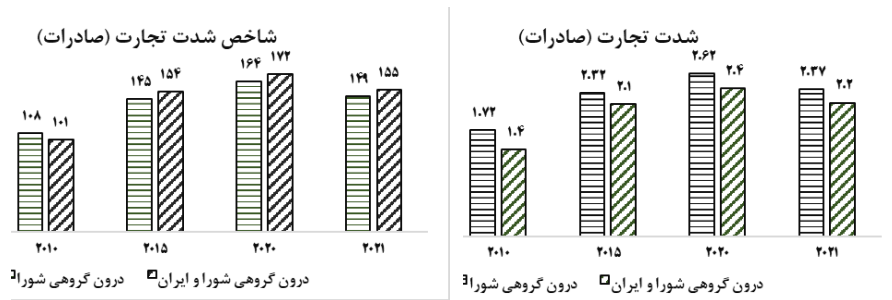
مأخذ: https://www.trademap.org/Country_SelProductCountry_TS.aspx?nvpm

جدول ۵. شدت تجارت (صادرات) دوجانبه در بین اعضای شورا و ایران طی دو دهه از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱م

شرح	بحرین	کویت	عمان	قطر	عربستان	امارات	ایران	صادرات شورا		صادرات جهانی		همگرایی تجاری شاخص ۱۰۰=۲۰۰۱
								M\$	%	M\$	%	
۲۰۰۱	(۱۲)۴۲	(۲۱)۲۰	(۷)۶۹	(۵)۸۵	(۳)۳۰۴	(۱۰)۴۷	۵۶۷	۱۰.۲	۵۵۵۱	۰.۰۹	۱۱۳.۳	۱۰۰
۲۰۱۰	۱۱۵	۱۶۱	۶۱۹	۱۱۶۰	۳۶۷	۳۰	۲۴۵۲	۱۵.۳	۱۶۰۵۹	۰.۱۱	۱۳۹.۱	۱۲۲.۸
۲۰۱۵	۴۰۰	۱۳۴	۲۶۸	۴۲۱۹	۹۵۳	۷	۵۹۸۱	۴۳.۳	۱۳۸۱۹	۰.۰۸	۵۴۱.۳	۴۷۷.۷
۲۰۲۰	۲۲۴	۴۷۹	۱	۱۹۴۳	۱۰۱۹	۰.۰۳	۳۶۶۶	۳۱.۷	۱۱۵۶۰	۰.۰۷	۴۵۲.۹	۳۹۹.۷
۲۰۲۱	(۱۲)۲۸۴	(۶)۵۷۰	(۵۱)۲۰	(۲)۳۴۶۱	(۳)۱۶۲۳	(۱۰۰)۰.۴	۴۹۵۸	۲۵.۶	۱۹۳۳۲	۰.۰۹	۲۸۴.۴	۲۵۱.۱
۲۰۰۱	(۱۷)۲۶	(۲۰)۲۲	(۱۰)۲۳	(۲)۱۶۴	(۳)۱۳۰	(۱۶)۲۲	۳۸۷	۲.۴	۱۶۱۶۵	۰.۲۶	۹.۲۳	۱۰۰
۲۰۱۰	۱۰۴	۸۴	۱۲۶	۴۹۰	۶۰۷	۱۱۲	۱۵۲۳	۲.۴	۶۲۶۹۸	۰.۴۲	۵.۷	۶۱.۹
۲۰۱۵	۱۱۸	۸۸	۲۳۹	۸۵۱	۸۱۹	۵۹	۲۱۷۴	۳.۹	۵۵۱۶۲	۰.۳۴	۱۱.۵	۱۲۴.۳
۲۰۲۰	۵۵	۱۷۷	۲۸۸	۶۷۳	۵۵۱	۱۶	۱۷۶۰	۴.۴	۴۰۱۵۰	۰.۲۳	۱۹.۱	۲۰۷.۳
۲۰۲۱	(۱۵)۵۷	(۹)۱۴۶	(۸)۲۸۰	(۳)۷۲۸	(۲)۸۰۵	(۵۵)۱۸	۲۰۳۴	۳.۲۲	۶۳۱۳۰	۰.۲۹	۱۱.۱	۱۲۰.۳
۲۰۰۱	(۲۸)۱۵	(۲۵)۲۵	(۲۰)۲۱	(۱۱)۱۸۹	(۵)۸۱۷	(۷)۴۵۵	۱۵۲۲	۱۳.۷	۱۱۰۷۴	۰.۱۸	۷۶.۱	۱۰۰
۲۰۱۰	۳۷	۲۷۷	۱۷۴	۶۹۱	۴۲۴۴	۴۸۱	۵۹۰۴	۱۶.۱	۳۶۶۰۰	۰.۲۴	۶۷.۲	۸۸.۳
۲۰۱۵	۸۰	۱۹۲	۲۷۲	۱۰۱۴	۲۰۵۰	۲۲۸	۳۸۳۶	۱۲.۰	۳۱۹۲۷	۰.۱۹	۶۳.۲	۸۳.۱
۲۰۲۰	۱۲۵	۲۷۳	۲۱۰۲	۱۴۸۸	۳۶۸۰	۲۴۵	۷۹۱۳	۲۳.۶	۳۳۴۸۰	۰.۱۹	۱۲۴.۴	۱۶۳.۵
۲۰۲۲	(۳۰)۱۱۷	(۱۳)۳۲۲	(۷)۹۹۳	(۲)۱۷۲۹	(۱)۳۸۴۴	(۱۱)۴۰۵	۷۴۱۰	۱۶.۶	۴۴۵۹۱	۰.۲۰	۸۳.۱	۱۰۹.۲
۲۰۰۱	(۲۰)۱۰	(۱۹)۱۳	(۳۲)۵	(۹)۱۱۴	(۵)۱۹۳	(۲۲)۴	۳۳۹	۳.۲	۱۰۷۰۶	۰.۱۷	۱۸.۸	۱۰۰
۲۰۱۰	۱۷۶	۲۸۶	۱۵۷	۱۰۶۴	۷۲۷۹	۳۹	۹۰۰۱	۱۲.۰	۷۴۹۶۴	۰.۵۰	۲۴.۰	۱۲۷.۷
۲۰۱۵	۲۲۷	۴۶۵	۱۹۱	۸۹۷	۴۷۳۵	۴	۶۵۱۹	۸.۴	۷۷۹۷۱	۰.۴۷	۱۷.۸	۹۴.۶
۲۰۲۰	۰	۸۹۵	۷۴۸	۰	۱۰۸۷	۶	۲۷۰۶	۵.۳	۵۱۵۰۴	۰.۲۹	۱۸.۳	۹۷.۲
۲۰۲۱	(۱۰۰)۳	(۱۲)۱۷۰۲	(۲۱)۶۱۵	(۳۶)۱۵۹	(۶)۳۴۷۴	(۵۳)۳۲	۵۹۸۵	۶.۹	۸۷۲۰۳	۰.۳۹	۱۷.۶	۹۳.۶

شرح	بحرین	کویت	عمان	قطر	عربستان	امارات	ایران	صادرات شورا		صادرات جهانی		همگرایی تجاری	
								%	M\$	%	M\$	شاخص	۱۰۰=۲۰۰۱
۲۰۰۱	(۱۵)۱۱۷	(۱۰)۳۷۸	(۲۵)۱۳۴	(۱۹)۱۷۱	(۷)۸۵۸	(۲۰)۱۱۸	(۷)۸۵۸	۲.۶	۱۷۷۶	۱.۱۰	۶۷۶۷۴	۲.۳۶	۱۰۰
۲۰۱۰	۱۲۱۹	۱۳۴۱	۵۷۴	۱۴۰۱	۳۸۸۰	۲۴۳	۳۸۸۰	۳.۴۴	۸۶۵۸	۱.۶۷	۲۵۱۵۷۷	۲.۰۶	۸۷.۳
۲۰۱۵	۱۵۳۴	۱۵۷۴	۸۸۱	۱۶۲۳	۶۷۷۳	۱۲۳	۶۷۷۳	۵.۸۶	۱۲۵۰۸	۱.۳۰	۲۱۳۳۷۶	۴.۵۱	۱۹۱.۱
۲۰۲۰	۸۸۳	۱۳۹۵	۸۴۰	۰	۴۹۲۳	۰	۴۹۲۳	۴.۵۶	۸۰۴۱	۱.۰۱	۱۷۶۵۰۸	۴.۵۱	۱۹۱.۱
۲۰۲۲	(۱۶)۱۱۳۷	(۱۱)۱۵۶۵	۸۳۹	(۲۱)۱۵	(۳)۵۴۷۴	(۱۹۹)۰	(۳)۵۴۷۴	۳.۳۸	۹۰۳۰	۰.۸۳	۲۶۷۵۴۷	۴.۰۷	۱.۷۲
۲۰۰۱	(۱۶)۱۵۵۷	(۷)۹۰۷	(۶)۵۱۶	(۲۲)۷۲۸	(۲)۱۰۵۶	(۱۱)۳۹۹۹	(۱۱)۳۹۹۹	۷.۵۹	۸۷۶۳	۱.۸۸	۱۱۵۴۵۳	۴.۰۴	۱۰۰
۲۰۱۰	۲۵۲۲	۴۲۷۳	۴۸۹۹	۳۳۵۱	۱۲۷۰۳	۱۶۲۰۹	۱۶۲۰۹	۴۳۹۵۷	۱۲.۵۵	۲.۳۱	۳۵۰۱۲۳	۵.۴۳	۱۳۴.۵
۲۰۱۵	۲۲۱۷	۳۱۳۶	۵۴۹۴	۳۱۶۵	۶۵۹۲	۱۶۲۰۹	۱۶۲۰۹	۳۶۸۱۳	۱۲.۲۵	۱.۸۳	۳۰۰۴۷۹	۶.۶۹	۱۶۵.۷
۲۰۲۰	۳۰۱۳	۷۰۴۷	۹۶۹۸	۰.۴	۲۱۸۳۱	۴۵۳۴	۴۵۳۴	۴۶۱۲۳	۱۳.۷۶	۱.۹۲	۳۳۵۲۹۷	۷.۱۶	۱۷۷.۳
۲۰۲۱	(۱۶)۳۷۱۷	(۷)۹۲۳۶	(۶)۱۰۱۰۹	۲۵۲۳	(۲)۲۶۵۶۴	(۱۱)۶۵۸۱	(۱۱)۶۵۸۱	۵۸۷۳۰	۱۳.۸۱	۱.۹۲	۴۲۵۱۶۰	۷.۱۹	۱۷۸.۱
۲۰۰۱	(۴۶)۱۶	(۱۹)۹۴	(۶۴)۸	(۳۶)۵۸	(۲۳)۸۵	(۷)۵۹۷	(۷)۵۹۷	۸۵۸	۳.۵۹	۰.۳۹	۲۳۹۰۴	۹.۲۰	۱۰۰
۲۰۱۰	۲۸	۹۵	۱۰۸	۷۴	۳۳۳۶	۳۳۳۶	۳۳۳۶	۳۷۲۱	۳.۴۳	۰.۷۲	۱۰۸۵۸۱	۴.۷۶	۵۱.۷
۲۰۱۵	۱۰	۲۳۸	۳۷۶	۱۴۷	۴۸۹۴	۴۸۹۴	۴۸۹۴	۵۷۹۹	۹.۶۶	۰.۳۷	۶۰۰۴۱	۲۶.۱۰	۲۸۳.۷
۲۰۲۰	۹	۱۵۴	۳۱۰	۲۳۰	۱۲۰۶	۱۲۰۶	۱۲۰۶	۱۹۰۹	۴.۶۵	۰.۲۳	۴۱۰۴۱	۲۰.۲۲	۲۱۹.۸
۲۰۲۱	(۷۴)۱۰	(۲۸)۱۵۸	(۱۳)۷۱۶	۱۳۴	(۱۳۷)۰.۰۴	(۶)۴۹۲۹	(۶)۴۹۲۹	۵۹۴۷	۷.۹۱	۰.۳۴	۷۵۱۴۵	۲۳.۲۸	۲۵۳.۰

مأخذ: https://www.trademap.org/Country_SelProductCountry_TS.aspx?nvpm



شکل ۲. شاخص شدت تجارت (صادرات) درون منطقه‌ای شورا و ایران طی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ م
 مأخذ: نتایج پژوهش بر مبنای داده‌های آماری trademap

۳.۵.۱. شدت روابط تجاری در کشورهای عضو شورا

۱. صادرات کالایی شورا به جهان از ۲۲۶/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ م به ۷۹۲ میلیارد دلار و ۹۰۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ م و ۲۰۲۱ م رو به افزایش گذاشته است. طی این دو دوره، رشد صادرات شورا (۱۳/۳ و ۷/۲ درصد) در مقایسه با رشد صادرات جهانی (۹/۴ و ۶/۳ درصد) سبب شد سهم صادرات شورا از صادرات جهانی از ۳/۶۹ درصد در سال ۲۰۰۱ م به ۵/۲۵ و ۴/۱ درصد در دو سال ۲۰۱۰ م و ۲۰۲۱ م تغییر یابد. در واقع، آهنگ رشد صادرات شورا از آهنگ رشد صادرات جهانی بالاتر بوده است و به سبب پیشی گرفتن رشد صادرات شورا از رشد صادرات جهانی، سهم صادرات شورا از صادرات جهانی در دو سال ۲۰۱۰ م و ۲۰۲۱ م رو به افزایش گذارد. البته، آهنگ رشد صادرات شورا در دهه ۲۰۱۰ م کمتر از دهه ۲۰۰۰ م بوده است.
۲. صادرات درون منطقه‌ای شورا از ۱۳/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ م به ۷۱/۵ و ۸۸/۱۴ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ م و ۲۰۲۱ م رو به افزایش گذاشته است. طی این دو دوره، رشد صادرات درون گروهی شورا (۱۸/۳ و ۹/۹ درصد) در مقایسه با رشد صادرات شورا (۱۳/۳ و ۷/۲ درصد) سبب شده است سهم صادرات درون منطقه‌ای از صادرات کالایی شورا از ۵/۸۹ درصد در سال ۲۰۰۱ م به ۹/۰۳ و ۹/۷۲ درصد در سال ۲۰۱۰ م و ۲۰۲۱ م، با ۱/۵۳ و ۱/۶۵ برابر طی دوره، رو به افزایش گذارد.
۳. شاخص شدت تجارت (صادرات) در شورا از ۱/۵۹۶ واحد در سال ۲۰۰۱ م به ۱/۷۲۰ و ۲/۳۷۱ واحد در دو سال ۲۰۱۰ م و ۲۰۲۱ م رو به افزایش بوده است. شاخص شدت تجارت به سال پایه ۲۰۰۱ م از واحد ۱۰۰ به ۱۰۷/۸ و ۱۴۸/۵ در دو سال ۲۰۱۰ م و ۲۰۲۱ م رو به بهبود است. افزایش سهم صادرات

درون منطقه‌ای از کل صادرات جهانی شورا توأم با افزایش چشمگیر سهم صادرات کالایی جهانی شورا از صادرات جهانی باعث شده است تا به دلیل افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا، شاخص شدت تجاری رو به فزونی گذارد. طی دوره، افزایش شاخص شدت صادرات با رشد سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا هماهنگ بوده است. افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا باعث شده است تا شاخص شدت صادرات در شورا افزایش یابد.

۴. هرچند سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا نازل است و به جز تعدادی از کشورهای باندازه تجارت کم، غالب صادرات اعضا با شرکای فرامنطقه‌ای صورت می‌گیرد، روند آن در دو دهه گذشته رو به فزونی گذارده است. بدین ترتیب، افزایش سهم شورا در صادرات جهانی هم‌زمان با افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا گویای آن است که حداقل طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ م بهبود در شدت روابط تجاری شورا به توسعه صادرات جهانی آن منجر شده است (ایجاد تجارت). با فرض ثلث بودن تقاضای جهانی یا برابری نوسان‌های آن در داخل و خارج منطقه و ثبات دیگر شرایط، افزایش شدت روابط تجاری در اثر افزایش صادرات درون منطقه‌ای توأم با افزایش سهم شورا در صادرات جهانی، نشانه وقوع ایجاد تجارت است. با وجود این، دامنه سهم صادرات درون منطقه‌ای کم، حداقل ۵/۸۹ درصد در ابتدای دوره در سال ۲۰۰۱ م و حداکثر ۱۰/۲۶ درصد در انتهای دوره در سال ۲۰۲۰ م، ۱/۷۴ برابر و ۷۴ درصد افزایش یافته است.

۵. تحلیل پیش‌گفته با شدتی کمتر در تجارت (صادرات) ایران و اعضای شورا تعمیم‌پذیر است، به طوری که آهنگ رشد جهانی صادرات ایران کندتر از آهنگ رشد صادرات ایران به کشورهای عضو شورا بوده است. همچنین، آهنگ رشد شدت تجارت ایران با اعضای شورا در دهه ۲۰۱۰ م پرشتاب‌تر از دهه ۲۰۰۰ م اتفاق افتاده است (به‌مثابه انحراف تجارت) ۱. با وجود این، تجارت درون منطقه‌ای ایران و اعضای شورا پایین و همچنان کمتر از ۱۰ درصد ارزیابی می‌شود.

۱. نظر به اینکه مفهوم انحراف تجارت با فرض سیاست تجاری تبعیضی (ترجیحی) شکل می‌گیرد، به کارگیری این مفهوم در خصوص کشوری فاقد ترجیح خالی از اشکال نیست. بنابراین، از این مفهوم به‌مثابه انحراف تجارت استفاده شده است.

۳.۵.۲. همگرایی تجارت (صادرات) دوجانبه کشورهای عضو شورا و ایران
صادرات امارات به جهان از ۱۱۵/۵ میلیارد دلار (سهم ۱/۸۸ درصد از جهان) در سال ۲۰۰۱م به ۳۵۰/۱ و ۴۲۵/۲ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱م (با سهم ۲/۳۱ و ۱/۹۲ درصد از جهان)، رتبه نخست از بین شش عضو شورا بوده است. صادرات درون منطقه‌ای امارات به شورا و ایران از ۸/۷۶ میلیارد دلار (سهم ۷/۶ درصد از کل صادرات آن) به ۴۴ و ۵۸/۷ میلیارد دلار (سهم ۱۲/۶ و ۱۳/۸ درصد) به شدت رو به افزایش است. صادرات امارات به شورا و ایران به ترتیب به بازار عربستان، عمان، کویت، ایران، بحرین و قطر در سال ۲۰۲۱م انجام شده است. در واقع، امارات از ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی به‌طور مناسبی بهره جسته است.

صادرات عربستان به جهان از ۶۷/۷ میلیارد دلار (سهم ۱/۱ درصد از جهان) در سال ۲۰۰۱م به ۲۵۱/۶ و ۲۶۷ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱م (با سهم ۱/۶۷ و ۰/۸۳ درصد از جهان)، رتبه دوم از بین شش عضو شورا بوده است. صادرات درون منطقه‌ای عربستان به شورا و ایران از ۱/۸ میلیارد دلار (سهم ۲/۶ درصد از کل صادرات آن) به ۸/۷ و ۹ میلیارد دلار (سهم ۳/۴ و ۳/۴ درصد) رو به افزایش است. صادرات عربستان به شورا و ایران به ترتیب به بازار امارات، کویت، امارات، بحرین و قطر در سال ۲۰۲۱م بوده است. قسمت اعظم صادرات عربستان فرمانطقه‌ای بوده و رتبه ایران در صادرات عربستان ۱۹۹ است.

ارزش صادرات ایران به جهان از ۲۳/۹ میلیارد دلار (سهم ۰/۳۴ درصد از جهان) در سال ۲۰۰۱م به ۱۰۸/۶ و ۷۵/۱ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱م (با سهم ۰/۷۲ و ۰/۳۴ درصد از جهان)، پرنوسان بوده است. صادرات درون منطقه‌ای ایران به شورا از ۸۵۸ میلیون دلار (با سهم ۳/۶ درصد از کل صادرات) به ۳/۷ و ۵/۹ میلیارد دلار (با سهم ۳/۴ و ۷/۹ درصد) به شدت رو به افزایش بوده است. صادرات ایران به اعضای شورا، تنها به امارات ۴/۹ میلیارد دلار، ۸۳ درصد کل صادرات به شورا است. صادرات ایران در طول دوره، به‌ویژه در دهه ۲۰۱۰م، پرنوسان، بی‌ثبات و آسیب‌پذیر بوده است، به‌طوری‌که در سال ۲۰۲۱م صادرات کشورهای امارات و عربستان، به‌ویژه قطر کشور کوچک عضو شورا، از صادرات ایران پیشی گرفته است.

آنچه از همگرایی تجارت درون منطقه‌ای اعضای شورا نتیجه می‌شود این است که تمام اعضای شورا با اندازه اقتصادهای متنوع کوچک تا بزرگ با تجارت

بیشتر (اقتصاد باز) شاهد توسعه روزافزون طی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ م بوده‌اند و از تمام قطب‌های بزرگ و شرکای تجاری اصلی جهانی (جهان غرب: آمریکا و اتحادیه اروپا؛ جنوب شرق آسیا: ژاپن و کره و اخیراً چین) و منطقه‌ای بیشترین بهره‌برداری را به‌عمل آورده‌اند. متأسفانه، در این بین، توسعه اقتصادی تجاری ایران در دهه ۲۰۱۰ م عقبگرد معناداری داشته و با محدودیت تجارت، به تجارت با منطقه اکتفا شده است. در این میان، شکاف توسعه، به‌ویژه شکاف توسعه صادرات با سه اقتصاد بزرگ عضو شورا، طی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ م بیشتر و بیشتر شده است.

۳.۵.۳. همگرایی تجارت (صادرات) و شاخص شدت تجارت ایران با کشورهای عضو شورا
صادرات کالایی ایران به جهان از ۲۳/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ م به ۱۰۸/۶ و ۷۵/۱ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ م، با شاخص عملکرد ۴۵۴ و ۳۱۴/۲ با رشد سالانه ۱۶/۳ و ۵/۶ درصد، به‌شدت بی‌ثبات و پرنوسان و در دهه ۲۰۱۰ م رو به تنزل بوده است. با شیوع کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۰ م، ضربه دیگری بر آن وارد شد. بنابراین، سهم ایران از صادرات جهان از ۰/۳۹ درصد در سال ۲۰۰۱ م به ۰/۷۲ و ۰/۳۴ درصد در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ م فراز و فرود داشت.

صادرات درون منطقه‌ای ایران به شورا از ۸۵۸ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ م به ۳/۷ و ۵/۹ میلیارد دلار در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ م با شاخص عملکرد ۴۳۱/۲ (۴/۳ برابر) و ۶۸۷/۶ (۶/۹ برابر) و نرخ رشد سالانه ۱۵/۷ و ۱۰/۱ درصد رو به افزایش گذاشته است. سهم صادرات درون منطقه‌ای ایران با شورا، از ۳/۶ درصد در سال ۲۰۰۱ م به ۳/۴ و ۷/۹ درصد در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ م پرنوسان بوده است. طی این دو دوره، رشد صادرات ایران با شورا (۱۵/۷ و ۱۰/۱ درصد) در مقایسه با رشد صادرات جهانی ایران (۹/۴ و ۶/۳ درصد) پرشتاب‌تر بوده است. بنابراین، صادرات درون منطقه‌ای ایران با کشورهای عضو شورا، به‌ویژه در سال ۲۰۲۱ م، به‌شدت افزایش داشته است. در سال ۲۰۲۱ م، با تشدید تحریم‌ها توأم با شیوع کووید-۱۹، صادرات کالایی ایران به جهان به‌شدت کاهش، و صادرات درون منطقه‌ای ایران با شورا به‌شدت افزایش یافته است. در این سال، از کل صادرات ایران به اعضای شورا، ۸۳ درصد با امارات بوده است. باقی پنج عضو شورا تنها ۱۷ درصد از صادرات ایران سهم داشته‌اند.

شاخص شدت صادرات ایران با شورا از ۹/۲ واحد در سال ۲۰۰۱ م به ۴/۸ و ۲۳/۸ واحد در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ م تا ۰/۵۲ و ۲/۵۹ برابر پرنوسان بوده است، منتهی سهم ایران از صادرات جهانی از ۰/۳۹ درصد در سال ۲۰۰۱ م به ۰/۷۲ و

۰/۳۴ درصد در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ تغییر کرد که گویای کاهش در سال ۲۰۲۱ م است. طی دوره، افزایش سهم صادرات ایران با شورا توأم با کاهش به شدت زیاد رشد صادرات جهانی سبب شد که با وجود بهبود شاخص شدت صادرات، توسعه صادرات جهانی ایران هماهنگ و هم‌سو با آن رخ ندهد (به‌مثابه انحراف تجارت).

هرچند در ابتدای دوره، بیشتر صادرات ایران با شرکای فرامنطقه‌ای صورت می‌گرفت و سهم صادرات ایران با اعضای شورا در سطح پایینی قرار داشت، طی دوره تا سال ۲۰۲۱ ارزش صادرات ایران با اعضای شورا تا ۶/۹۳ برابر و سهم تا ۲/۲ برابر به شدت رو به افزایش گذاشت. کاهش چشمگیر سهم ایران از صادرات جهانی هم‌زمان با افزایش سهم صادرات ایران با شورا، به‌ویژه در سال ۲۰۲۱ م، گویای آن است که حداقل طی دوره، افزایش شاخص شدت صادرات ایران با شورا نه تنها به افزایش صادرات جهانی ایران منجر نشد، بلکه سهم ایران از صادرات جهان رو به افول گذاشت (به‌مثابه انحراف تجارت). در اصل، توسعه صادرات درون منطقه‌ای برای هر کشور موقعی مطلوب است که به توسعه صادرات جهانی منجر شود (ایجاد تجارت)، حال آنکه خلاف آن رخ داده است. نکته مهم‌تر اینکه از صادرات ایران به اعضای شورا ۴/۹ میلیارد دلار، معادل ۸۳ درصد سهم امارات بوده است. ایران در صادرات عربستان رتبه ۱۹۹، و عربستان در صادرات ایران رتبه ۱۳۷ (نزدیک صفر) را داشته است. این در صورتی است که در سال ۲۰۱۰ م، صادرات عربستان به ایران ۲۴۳ میلیون دلار، و صادرات ایران به عربستان ۸۰ میلیون دلار بود. فقدان تجارت متقابل ایران و عربستان، به دلیل نبود عزم و اراده سیاسی نهاد هیئت حاکمه بوده است.

۴. جمع‌بندی نتایج، توصیه‌ها، پیشنهادها و ملاحظات پایانی

مطالعه یکپارچگی اقتصادی ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس طی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ م نشان می‌دهد:

۱. در میان اعضای شورا، دامنه درآمد سرانه در برخی کشورها بدون تغییر، در برخی کاهشی و در برخی رو به افزایش بوده است، ولی اساساً شکاف در درآمد سرانه بین اعضا کم شده است. شورا از جنبه همگونی درآمد سرانه موفق بوده است و فرایند همگونی و همسان‌شدن درآمد سرانه در بین اعضا تأیید می‌شود. البته، ارتقای درآمد سرانه اعضای شورا اساساً متأثر از عوامل

- بنیادین رشد و توسعه آن‌هاست. در این بین، سیاست‌های اقتصادی و تجاری شورا نقش جدی و بااهمیتی نداشته است.
۲. آهنگ رشد صادرات شورا از آهنگ رشد صادرات جهانی بالاتر بوده و سهم صادرات شورا از صادرات جهانی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ م رو به بهبود گذاشته است. شاخص شدت تجارت (صادرات) در شورا از ۱/۵۹۶ واحد در سال ۲۰۰۱ م به ۱/۷۲۰ و ۲/۳۷۱ واحد در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ م رو به افزایش بوده است. شاخص شدت تجارت به سال پایه ۲۰۰۱ م از واحد ۱۰۰ به ۱۰۷/۸ و ۱۴۸/۵ در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ م رو به بهبود است. افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای از صادرات جهانی شورا توأم با افزایش چشمگیر سهم صادرات کالایی جهانی شورا از صادرات جهانی باعث شده است تا به دلیل افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا، شاخص شدت تجاری رو به فزونی گذارد. طی دوره افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا باعث شده است تا شاخص شدت صادرات در شورا افزایش یابد.
۳. هرچند سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا نازل است و به جز تعدادی از کشورهای با اندازه تجارت کم، غالب صادرات اعضا با شرکای فرامنطقه‌ای صورت می‌گیرد، روند آن در دو دهه اخیر رو به فزونی گذارده است. بدین ترتیب، افزایش سهم شورا در صادرات جهانی هم‌زمان با افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای شورا گویای آن است که حداقل طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ م بهبود در شدت روابط تجاری شورا به توسعه صادرات جهانی آن منجر شده است (ایجاد تجارت). با فرض ثابت بودن سایر شرایط، افزایش شدت روابط تجاری در اثر افزایش صادرات درون منطقه‌ای توأم با افزایش سهم شورا در صادرات جهانی، نشانه وقوع ایجاد تجارت است. با وجود این، دامنه سهم صادرات درون منطقه‌ای کم، حداقل ۵/۹ درصد در ابتدای دوره در سال ۲۰۰۱ م و حداکثر ۱۰/۳ درصد در سال ۲۰۲۰ م بوده است.
۴. طی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ م، افزایش سهم تجارت درون منطقه‌ای ایران از تجارت شورا، کاهش سهم حجم تجارت فرامنطقه‌ای ایران توأم با توقف و کاهش رشد تجارت جهانی ایران، باعث شده است که شدت تجارت شورا و ایران طی دوره به طور چشمگیری افزایش یابد. در واقع، طی دوره، کاهش سهم صادرات فرامنطقه‌ای ایران توأم با کاهش رشد صادرات ایران سبب شد که به دلیل افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای، شاخص شدت صادرات ایران

با شورا افزایش یابد. افزایش سهم صادرات درون منطقه‌ای ایران با شورا توأم با آهنگ رشد کم و کاهش صادرات جهانی ایران گویای آن است که طی دوره، افزایش شاخص شدت تجاری ایران به افزایش در صادرات جهانی ایران منجر نشد (به‌مثابه انحراف تجارت).

۵. مهم‌ترین دلیل عدم توسعه تجارت درون منطقه‌ای، سطح نازل توسعه‌یافتگی تجارت و ساختار ضعیف صادراتی ایران بوده است. در این شرایط، امکان توسعه تجارت، به‌ویژه تجارت درون منطقه‌ای درون‌زا و پویای چشمگیر، میسر نیست. توسعه تجارت درون و فرامنطقه‌ای ایران در نگرشی کلی نیازمند پیش‌نیازهای زیر است: نخست، اصلاحات سیاستی کلان برای ثبات محیط اقتصاد کلان ایران با محوریت رشد و توسعه پایدار و فراگیر و کاهش ریسک‌ها با محوریت نرخ تورم و کنترل تکانه‌های غیراقتصادی؛ دوم، اصلاحات در سیاست تجاری ایران با هدف گذاری برچیدن موانع تجاری غیرتعرفه‌ای و ثبات‌بخشی توأم با منطقی‌سازی میزان نرخ تعرفه‌های گمرکی؛ سوم، شناسایی شرکای تجاری طبیعی درون و فرامنطقه‌ای ایران، در شرایط ایستا و پویای بلندمدت و چشم‌انداز توسعه تجارت پایدار فراگیر، به‌ویژه توسعه صادرات صنایع اشتغال‌زا، و متعاقباً دانش‌بنیان؛ چهارم، تحولات ساختاری در تجارت کالا و خدمات ایران با هدف ارتقای مزیت نسبی و دستیابی به مزیت‌های رقابتی با محوریت صنایع اشتغال‌زای ارزآور و متعاقباً دانش‌بنیان و توسعه انواع خدمات از جمله گردشگری.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی اعلام می‌دارند.

منابع

حسینی م، بزرگی و (۱۳۸۱). «شرکای منطقه‌ای ایران و امکان تشکیل هسته مرکزی یک هم‌پیوندی اقتصادی منطقه‌ای». *پژوهشنامه بازرگانی*، ۶(۲۳)، ۱-۳۷. SID.

<https://sid.ir/paper/7281/fa>

حسینی م، هومن ت. (۱۳۸۶). «مطالعه تطبیقی شاخص‌های اقتصاد کلان بین‌الملل کشورهای عضو اکو در فرآیند منطقه‌گرایی». *دانش و توسعه*. ۲۰: ۱۱-۴۲. SID:

<https://sid.ir/paper/75707/fa>

Asian Development Bank. (2022). "Integration indicators technical notes". <https://aric.adb.org>. (Accessed on: October 30, 2023).

Bhagwati J. (1996). "The theory of preferential trade agreement: historical evolution and current trends". *The American Economic Review*. 86(2): 82-87.

Helpman E. (1987). "Imperfect competition and international trade: evidence from fourteen industrial countries". *Journal of the Japanese and International Economies*. 1: 62-81.

Hoekman B, Schiff M. (2002). *Benefiting from Regional Integration, Development, Trade and the WTO*. Washington, D.C: The World Bank.

Hosseini MA, Houman T. (2007). "A study of the international economy of ECO members countries in the process of integration". *Knowledge and Development*. 20: 11-42. <https://sid.ir/paper/75707/en>. [in Persian]

Hosseini MA, Bozorgi V. (2002). "Iran's Regional Trade Partners and the feasibility of Establishing an Integrative Economic Core". *Iranian Journal of Trade Studies (IJTS) Quarterly*. 23(6): 1-36. SID. <https://sid.ir/paper/7281/fa>. [in Persian]

Krugman P. (1996). *Development, Geography and Economic Theory*. Cambridge, MA: The MIT Press.

Sheila P. (2000). *Regionalism among Developing Countries*. Macmillan Press LTD. Overseas Development Institute. London.

https://www.trademap.org/Country_SelProductCountry_TS.aspx?nvpm. (Accessed on: October 30, 2023).

UNCTAD. (2022). *World Investment Report, FDI/TNC database*. Geneva: Union Nation Conference Trade And Development. Retrieved from www.unctad.org/fdistatistics.

Union Nation Conference Trade and Development (UNCTAD) (1995-2023). *Handbook of International Trade and Development Statistics 1994-2022*. New York: UN Publications. www.UNCTAD.org.

- Viner J. (1950). *The Customs Union Issue*. New York: Carnegie Endow.
- World Bank. (2022). *World Development Indicators Database 1998-2022*. www.worldbank.org. (Accessed on: October 30, 2023)
- (2000). *Trade Blocs: A World Bank Policy Research Report*. New York: Oxford University Press.
- WTO ITC UNCTAD. (2022). "World Tariff Profiles". www.wto.org/statistics. (Accessed on: October 30, 2023)